

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۸ - شنبه ۲ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۱۸ رجب ۱۴۰۱ - بهار ۱۵ ریال

رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه را بعهده میگیرد

در دیدار اخیر آقا شاهی، وزیر امور خارجه پاکستان، از واشنگتن، که در روزهای اول اردیبهشت ۶۰ انجام گرفت، دولت آمریکا موافقت خود را در مورد کمکهای نظامی با پاکستان ببنگ دونهیلارد و پانصد میلیون دلار اعلام کرد. طبق گزارش خبرگزاری یونایتد پرس، از جمله تسلیحاتی که در اعتبارات کلمه نظامی آمریکا به پاکستان پیش بینی شده است، هواپیماهای بمب افکن اف-۱۶ خواهد بود.

بقیه در صفحه ۴

کمر بند توطئه های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا، گرد مبین انقلابی ما تنگ و تنگتر میشود. توطئه ششم آمریکا، که جنگ تحمیلی صدام علیه ایران است، نتوانست امپریالیسم را به هدف اساسی اش، که درهم شکستن انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران است، برساند. اما این شکست آشکار و ناکامی توطئه های پیشین امپریالیسم، او را سرعقل نیاورده، بلکه جری تر و گستاخ تر ساخته است. اکنون سخن از تحریکات آمریکا و پاکستان در منطقه سیستان و بلوچستان است که وظیفه افروختن نایره جنگ «شیعه و سنی» را دارد. در آن سوی نواحی مرزی ایران و پاکستان، ضیاء الحق مقلد «اسلام آمریکائی» سرگرم ساختن سنگرهای بتونی است تا همچون صدام جنایتکار، از درون این سنگرها انقلاب ایران را نشانه گیرد.

نگذاریم که خطر امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی مردم ایران، نادیده و یا ناجیز گرفته شود

رفت و آمدهای بی وقفه مقامات سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و اتریش به کشورهای مرتجع منطقه، دیدارهای متقابل امیران امارات و «رجال» پاکستان و عربستان سعودی با مقامات آمریکا و انگلیس، انعقاد قراردادهای فروش اسلحه به دولتهای ارتجاعی منطقه، همراه با اعزام جاسوسان مختصر به لقب «کارشناس»، بافتن زنجیره ای از کشورهای دست نشانده منطقه بمنظور همکاری نظامی، تقویت پایگاههای نظامی آمریکا در این سوی جهان و توان بخشی بیشتر به «سپاه واکنش سریع»، تشکیل کنفرانس وزیران امور خارجه پیمان «ناآ» در رم و جلسات نظامیان «ناآ» در بن و بروکسل، با هدف اساسی تشدید مسابقه تسلیحاتی و تدارکات نظامی در جهان و از جمله در خلیج فارس، علاقه پنتاگون به ایجاد نیروهای چند ملیتی واکنش سریع «ناآ»، که بقیه در صفحه ۲

روز دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰،
بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

در باره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشراکت حزب توده ایران
پخش می شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکات کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی ایران)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاپور (از سازمان فدائیان خلق «اکثریت»).

تذکر: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنجشنبه تلویزیون اعلام کرد که بعلت تراکم برنامه، بخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می شود. و دیروز بخش اول این بحث در محیط سالم و باموفقیت برگزار شد.

ارتفاعات الله اکبر به تسخیر نیروهای مسلح انقلاب درآمد

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه طی یک حمله گسترده به مواضع تجار و گران صدامی که ارتفاعات الله اکبر در بقیه در صفحه ۴

فعالیت های تخریبی موساد (سازمان جاسوسی) در ایران اسرائیل

دیگر شهرستانها مستقیماً شرکت میکردند. اما هیچ تلاشی نتوانست از سقوط آن رژیم جلوگیری کند. موشه کاپسال، که در آن زمان در تهران بود، و دیگر عاملین اسرائیل نتوانستند از نابودی شبکه گسترده جاسوسان موساد در ایران ممانعت بعمل آورند. بسیاری از سرسپردگان رژیم شاه و جاسوسان موساد از بیم مجازات و خشم برحق مردم به اسرائیل فرار کردند. مثلاً تاتی معاون رئیس ساواک و سرلشکر پالیزبان اکنون در اسرائیل هستند و با کمک موساد در آنجا گروه های تروریستی را سازمان بقیه در صفحه ۴

مفسر رادیو مسکو در این باره میگوید: «ما اکنون جاسوسی دول امپریالیستی و دولت صهیونیستی اسرائیل بطور مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکنند. در این زمینه بویژه «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) نقش بسیار فعالی دارد. در دوران رژیم شاه موساد با «سیاه» آمریکا و ساواک همکاری نزدیکی در ایران داشت و یکی از عوامل حفظ و ثبات این رژیم بود. گروه های ویژه موساد در عملیات سرکوب مسلحانه بسیاری از تظاهرات و راهپیمایی های ضد سلطنتی مردم ایران در تهران و اردیبهشت ۶۰، خود به زبان فارسی تفسیری درباره فعالیت های تخریبی «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) در ایران پخش کرد. در این تفسیر آمده است: «طبق گزارش خبرگزاری فرانس پرس باروخ چدوک و دوتن دیگر از فعالان جمعیت کلیمیان در تهران بازداشت شده اند. این اقدام مقامات رسمی ایران، موجب نارضایتی آشکار زمامداران اسرائیل شده است. اظهارات موشه کاپسال یکی از سران کمیته کلیمیان ایران، که سال گذشته در تل آویو تشکیل شده، مویده این امر است.»

۳۴ سال از شهادت فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان گذشت

پرچم مبارزه و فتح بردارستم



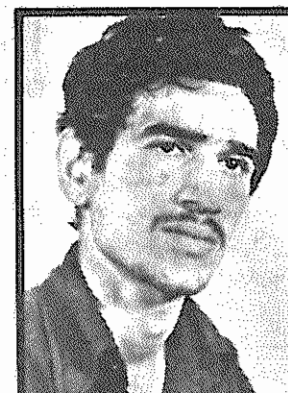
باغ گلستان به «چرم» مبارزه برای استقلال و آزادی و ترقی ایران، بدست آنها پدار آویخته شد. فریدون ابراهیمی، توده ای قهرمان، نویسنده ای فعال، حقوق دانی برجسته و فرزند دلیر خلق آذربایجان بود. او پس از تشکیل حکومت ملی آذربایجان در مجلس موسسان به عضویت هیئت حکومت ملی خلق برگزیده شد و بعنوان دادستان کل آذربایجان به مبارزه علیه رژیم وابسته و ستمکار پهلوی ادامه داد و سرانجام نیز در همین راه به شهادت رسید. راه او را دیگر فرزندان دلیر خلق آذربایجان و همه مردم انقلابی ایران، ادامه دادند و سرانجام پرچم مبارزه سترگ

«دستهای پینه بسته، دره های محکم زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و جلادان و ستمکاران را نابود خواهند کرد». این خواست اکنون به تحقق پیوسته است، اما گوینده این کلمات، ۳۴ سال پیش جان پاک خویش را برای تحقق این آرمان فدا کرد. او فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان، توده ای قهرمان و دادستان کل حکومت ملی آذربایجان، ۳۵ سال پیش در سنگر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، پس از ۳۴ ساعت نبرد مسلحانه با دشمنان شاه ملعون، به اسارت درآمد و در ۴ صبح روز اول خرداد ۱۳۲۶، در خیابان ستارخان تبریز جلوی

خلق را بر فراز ویرانه های ستم برافراشتند. یاد فریدون ابراهیمی در قلب و اندیشه خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران، جاویدان است.

نه، این قافله را اسرائیل استادن نیست

رفیق شهید، توده ای قهرمان، جهانگیر خادم محمدی، به قافله شهدای توده ای پیوست



رفیق قهرمان دیگری، درجه به نبرد با تجار و گران صدامی - آمریکائی جان خود را فدا کرد. یک توده ای دیگر، رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی، در حالی که ترکش خمپاره قلمش را به چندباره می کرد، با شعار «مرگ بر آمریکا»، به قافله شهدای توده ای پیوست. رفیق جهانگیر در سال ۱۳۴۰، در یک خانواده زحمتکش، در قلب رنج و کار، چشم بر جهانی گشود که هیولای سرمایه و دیکتاتوری حافظ آن، مبین ما را در پنجه های خونین می فشرد. رفیق جهانگیر، که سومین فرزند خانواده خانم محمدی بود، مانند دیگر بچه های یوسف آباد لاهیجان، در رزم لحظه به لحظه قد کشید و بالید. زندگی او بسا هستی

رفیق کار، خود را در کارخانه های جای یافت و در آنجا بود که چهره کربیه استعمار را به روشنی دید و با ددمنشی سرمایه داری آشنا شد. تابستان بعد که رفیق جهانگیر به کار ساختمانی پرداخت، دیگر با گوشت و پوست خود استعمار را می شناخت و اعماق جانش از کینه علیه سرمایه لبریز میشد. آنجا که به آوای حزین کارگران گوش می داد، قلبش از عشق به زحمتکشان و نفرت به سرمایه داران لبریز می شد. و او در جست و جوی خویش برای ویران کردن این جهان نفرت آور آموخت که: «باید به آینده امید داشت. باید به کار و به مهربانی و دوست داشتن امید داشت و آینده بقیه در صفحه ۴

لئونید برژنف در جشن شصت سالگی جمهوری و حزب کمونیست گرجستان: رویدادهای خاور میانه هم تأسف آور است، هم خطر ناک

★ جنگ اعلان نشده علیه افغانستان باید پایان یابد.
★ اتحاد شوروی نمیتواند استقرار موشک های اتمی جدید آمریکا را در اروپا بپذیرد

شصتین سالگرد تاسیس جمهوری و حزب کمونیست گرجستان ادا کرد. برژنف گفت: «رویدادهای خاور میانه هم تأسف آور است و هم خطر ناک. بقیه در صفحه ۴

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، یازدهم روز خوارستار «مذاکره فعال

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق...

بقیه از صفحه ۱

توافق اخیر آمریکا و پاکستان درباره کمکهای نظامی به پاکستان از جانب دولت آمریکا، بیانگر اهداف استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان، به اشکال گوناگون به مرحله اجرا درآمده است. تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا طی دوران پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری دستنشانده محمدرضای ملعون در ایران و تمرکز نیروهای عظیم دزبایی، هوایی و زمینی در این منطقه، با تقویت قدرت نظامی رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه همراه بوده و امپریالیسم آمریکا سعی کرده است که برای جبران مواضع نظامی از دست رفته خود در این منطقه، سرزمین این کشورها را به پایگاه نظامی خود تبدیل سازد و کشورهای مستقل ملی منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در حلقه محاصره نظامی قرار دهد و در برابر کشورهای عضو جبهه پایداری، جبهه توطئه و تجاوز و تحریکات نظامی از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود در این منطقه را بوجود آورد. در اجرای این طرح به پاکستان نقش ویژه و مهمی محول شده است.

روزنامه آمریکائی «لوس آنجلس تایمز» به این پرسش که: چه انگیزه‌های ایالات متحده آمریکا و چین را وادار ساخته که با این مقیاس گسترده به تقویت نیروی نظامی پاکستان بپردازند و این کشور را به پایگاه نظامی و سرپل تجاوزات و اقدامات ماجراجویانه خود تبدیل سازند، چنین پاسخ میدهد:

رژیم پاکستان بر حسب ماهیت دیکتاتوری و موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی خود مناسبترین کشور در این منطقه است که آماده و قادر است نقش مجری فعال سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه را ایفا کند.

در این مورد چکاندرسن، مفسر روزنامه واشنگتن پست، در تفسیری درباره روابط آمریکا و پاکستان نوشت:

«دولت ریگان مسئله مربوط به انعقاد پیمان دفاعی جدید با پاکستان را بررسی میکند».

در این تفسیر آمده است که:

«رژیم ضیاءالحق از نظر واشنگتن مناسبترین رژیم نظامی برای پاسداری منافع آمریکا در حوزه خلیج فارس است».

روشن چاندر، رئیس شورای جهانی صلح، در مورد روابط دولت آمریکا و پاکستان به این مطلب اشاره کرد که، آمریکا پاکستان را به پایگاه نظامی جدید تجاوز در منطقه تبدیل کرده و ضیاءالحق، دیکتاتور پاکستان، نقش ژاندارم منطقه را بجای شاه ملعون بعیده میگیرد.

روزنامه «تایمز آو ایندیا» نیز در این باره نوشت که آمریکا میخواهد نقش ژاندارم منطقه را، که در سابق شاه مخلوع ایران بعیده داشت، به ضیاءالحق، دیکتاتور دستنشانده خود در پاکستان، واگذار کند.

قراردادهای نظامی و تسلیحاتی که، طی دو سال اخیر، رژیم دیکتاتوری نظامی «ضیاءالحق» منعقد ساخته، بخوبی نشان میدهد که جریان تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز و توطئه‌های نظامی از کانه‌های گوناگون، یعنی مستقیماً از جانب آمریکا، کشورهای عضو پیمان «ناٹو»، چین و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه انجام میگیرد.

چندی پیش صندوق بین‌المللی پول، که زیر نفوذ و کنترل آمریکا و دیگر دول امپریالیستی عضو «پیمان ناٹو» قرار دارد، موافقت خود را با واگذاری وامی به مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار به پاکستان اعلام کرد. ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که وام صندوق بین‌المللی پول، بمنظور تأمین هزینه‌های نظامی سنگینی که پاکستان صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی میکند، به رژیم ضیاءالحق داده شده است. روز ۲۴ اردیبهشت ۶۰، «کمیسون روابط خارجی سنای آمریکا» برنامه از سرگیری کمک‌های نظامی وسیع آمریکا به پاکستان را تصویب کرد. در این کمیسیون همچنین تصویب شد که قانون منع کمک نظامی آمریکا به کشورهایی که برای تهیه سلاح اتمی کوشش میکنند، افزوده شد که بموجب آن، پاکستان مشمول این منع نخواهد بود. بدینسان دست دولت آمریکا برای هرگونه کمک نظامی به پاکستان باز گذارده شده است.

از سوی دیگر عربستان سعودی و مصر نیز با رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق قراردادهای نظامی منعقد کرده‌اند و اعتبارات نظامی و کمکهای تسلیحاتی در اختیار این رژیم می‌گذارند. واحدهایی از ارتش پاکستان، در مقابل کمکهای نظامی و تسلیحاتی بلاعوض عربستان سعودی، بمنظور تقویت نیروی نظامی و شرکت در ساختمان تأسیسات نظامی در عربستان سعودی به آن کشور اعزام شده‌اند. همچنین بخش اعظم هزینه‌های نظامی و سایر هزینه‌های اردوگاه‌های ضدانقلابی افغانی، که در خاک پاکستان قرار دارند، بوسیله عربستان سعودی و مصر و دیگر رژیمهای ضد خلقی منطقه تأمین میشود.

ژنرال ضیاءالحق، علاوه بر اینکه کشور پاکستان را به پایگاه نظامی آمریکا و مرکز نیروهای ضد انقلاب افغانی و سرپل تجاوز علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل ساخته، در اجرای سیاستهای توطئه‌گرانه و سرهم‌بندی بلوکهای نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش فعالی دارد. چندی پیش ضیاءالحق به کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه مسافرت کرد. وی در جریان این مسافرت طرح تشکیل پیمان نظامی در منطقه را، که از جانب وزارت دفاع آمریکا تهیه شده است، با سران این کشورها در میان گذاشت. طبق این طرح تلاش میشود که یک پیمان نظامی با شرکت عربستان سعودی، سوئالی و دیگر رژیمهای وابسته به آمریکا در این منطقه تشکیل شود، که پاکستان در آن نقش ویژه‌ای خواهد داشت. به موازات امپریالیسم آمریکا و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آن

بگین امکان کاهش «فعالیت‌های هوایی را بر فراز لبنان» رد کرد

بعقیده خبرگزاری سوریه، اظهارات اخیر رهبران اسرائیل «مقاصد تجاوز کارانه «تل آویو» را در قبال سوریه ولبنان تأیید میکند». نخست‌وزیر اسرائیل، در مصاحبه‌ای در تلویزیون آمریکا امکان کاهش «فعالیت‌های هوایی را بر فراز لبنان» رد کرد. منظور از «فعالیت‌های هوایی» بمباران و پروازهای اکتشافی در لبنان است. بگین باردیگر خواستار فرخوانی موشک‌های ضد هوایی سوریه از لبنان شد. بعقیده سوریه، این مسئله جز بیانه‌ای برای تنش‌فزایی از سوی اسرائیل نیست، زیرا که

لئونید برژنف...

بقیه از صفحه ۱
نباید سرنوشت فلاکت‌بار میلوینها فلسطینی و لبنانی را که قربانی هوسرانی‌های نظامیان اسرائیلی قرار گرفته‌اند، نادیده گرفت. یک حرکت غفلت‌انگیز ممکنست هوایماهای جنگی را بر فراز سراسر خاورمیانه به پرواز دریاورد. رهبر شوروی پیشنهاد اتحاد شوروی را مبنی بر فراخوانی کنفرانسی بین‌المللی درباره مسائل خاورمیانه تکرار کرد. لئونید برژنف همچنین پیشنهاد هائی درباره عادی‌سازی اوضاع در

به پاکستان، رهبری مائوئیستی چین نیز در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز در این منطقه نقش مهمی را ایفاء میکند. طبق گزارش «خبرگزاری پرس‌تراس آو ایندیا»، در ماههای اخیر دید و بازدیدهای هیئت‌های نظامی چین و پاکستان گسترش یافته است. چندی پیش یک هیئت نظامی پاکستانی از پکن دیدن کرد. یک هیئت نظامی چین به ریاست کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین نیز به پاکستان مسافرت کرد. در جریان این دیدارها و مذاکرات، مسئله ایجاد پایگاه نظامی دریایی چین در بندر کراچی بررسی شده است. بدنبال این مذاکرات «خبرگزاری پرس‌ایشیو اینترنشنال» هند از انعقاد یک قرارداد نظامی محرمانه میان رژیم ضیاءالحق و رهبری چین خبر داد، که بموجب آن چین در بندر کراچی یک پایگاه نظامی دریایی تأسیس خواهد کرد.

در گزارش همین خبرگزاری گفته میشود که تجهیزات نظامی و وسائل این پایگاه نظامی را دولت آمریکا تأمین میکند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین در اجرای سیاست نظامیگری در پاکستان و تبدیل آن به پایگاه نظامی تجاوز و توطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان، همه‌جانبه همکاری دارند.

در یاسالار لیوئاوشنگ، کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین، که در راس یک هیئت نظامی از پاکستان دیدن کرد، در مورد تقویت نیروهای دریایی پاکستان اظهار داشت که ناوگان دریایی پاکستان باید در آقیانوس هند نقش مهمی را ایفاء کند. وی افزود که تشریک مساعی و عملیات نظامی مشترک ناوگان چین و پاکستان در این منطقه بسیار موثر خواهد بود.

سیاست واشنگتن برای تبدیل پاکستان به سرپل تجاوز در منطقه و تبدیل رژیم ضیاءالحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه، با سیاستی که رهبران چین مدتهاست نسبت به رژیم ضیاءالحق در پیش گرفته‌اند، مطابقت کامل دارد. تاکنون در نواحی مرزی پاکستان با هند، با کمکهای چین، ۱۲ پایگاه نظامی تأسیس شده و راههای نظامی - استراتژیکی در این نواحی احداث گردیده است. تاکنون از جانب چین مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در اختیار رژیم ضیاءالحق گذارده شده، که بمافکن‌های جنگنده‌شن‌یان اف ۹ و موشکهای نوع زمین به هوا از آنجمله‌اند.

واشنگتن تلاش دارد که پاکستان را به پایگاه نظامی و رژیم ضیاءالحق را به ژاندارم منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای جبهه پایداری تبدیل کند. رهبری پکن نیز سعی دارد از پاکستان بمشابه متحد نظامی و تکیه‌گاه خود علیه هند و نیز اجرای نقشه‌های توسعه طلبانه خویش در جنوب شرقی آسیا استفاده کند.

تبدیل پاکستان از جانب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین به پایگاه نظامی و ناوگان توطئه و تجاوز، منافع همه خلقها و کشورهای مستقل ملی این منطقه را مورد تهدید جدی قرار میدهد. بهین علت همه کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری موظفند که با گسترش روابط میان خود، برای ایجاد جبهه متحد ضد - امپریالیستی در برابر این خطر تدابیر مشخص و جدی اتخاذ کنند.

نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱

روشنتر از خورشید را در عمل در نظر داشت. او این جمله را، که از گورگی آموخته بسود، پیوسته تکرار می‌کرد: «زندگی باید هدفی بس عالی داشته باشد و عالیترین هدف، تلاش برای سعادت و خوشبختی انسانهاست». رفیق جهانگیر در میان شعله‌های انقلاب راه مبارزه را پیدا کرد. او در صفوف مبارزه خلق علیه استبداد و امپریالیسم، در همان سنگرهای مقدم، که بسا عشق به خلق و انقلاب می‌گذاخت، با جهان‌بینی طبقه کارگر آشنا شد و به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر، ایران پیوست. از این پس او در سنگر حزب توده‌ای ما، مدافع خستگی‌ناپذیر انقلاب شکوهمند مردم ایران بر رهبری امام خمینی بود. از همین رو، بدنبال تجاوز دژخیمان صدامی و انتشار «فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران»، رفیق جهانگیر به جبهه شتافت. قشریون، قبل از سفر او بسوی شهادت، ۳۸ روز او را بیکنه به زندان انداختند. اما ایمان استوار رفیق جهانگیر، که در سنگر حزب توده ایران آبدیده شده بود، از این عمل غیرقانونی و غیراخلاقی خلل ندید. او به محض آزادی از زندان، برای دفاع از میهن و انقلاب به جبهه رفت.

رفیق شهید میدانست برای چه می‌جنگد. او در نامه‌ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بخاطر ادامه جنگ در جهان است، بلکه هدف این جنگ، شکست تیراها و عگرها پیوست، قافله‌ای که شقایق آزادی به قله تاریخ میبرد.

رفیق شهید میدانست برای چه می‌جنگد. او در نامه‌ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بخاطر ادامه جنگ در جهان است، بلکه هدف این جنگ، شکست تیراها و عگرها پیوست، قافله‌ای که شقایق آزادی به قله تاریخ میبرد.

سخنان یکی از اعضای «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» در مراسم تشییع جنازه رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی

در مراسم که به مناسبت شهادت رفیق جهانگیر خادم محمدی برپا شد، برادر رفیق شهید، جعفر خادم محمدی، که عضو «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» است، درباره برادر شهید خود سخن گفت. او از جمله گفت:

«جهانگیر خواهان وحدت همه مردم علیه سرمایه‌داران بزرگ، آمریکا و دیگر همبستگانش بود. یاد می‌آید تصویری برایمان آورد که در آن مردم متحداً پرچم آمریکا را آتش می‌زدند. در آن تصویر نبودند گروهی که تنها خود را در آتش زدنش سهیم بدانند. در آن تصویر نبودند کسانی که به یکدیگر دشنام یا تهمت ببندند. در آن تصویر همه شادی میکردند و همیگونه همگی مرگ بر آمریکامیگفتند. می‌خواهم بگویم که جهانگیر شما را بدینگونه میخواست».

ارتفاعات الله اکبر...

بقیه از صفحه ۱

نزدیکی سوسنگرد را در تسخیر خود داشتند، ضربات مهلکی بر آنان وارد آوردند و این ارتفاعات را بازپس گرفتند. در این عملیات قهرمانانه و حماسه آمیز، پیش از سیصد مزدور

فعالیت‌های...

میدهند و به ایران میفرستند، که ماموریت این گروهها ترور و خرابکاری و تحریک و ایجاد اختلاف میان خلقهای ساکن در مناطق مختلف ایران است. اجرای عملیات تروریستی بعده گروه ویژه‌ای واگذار شده که «سیاهی آمریکا و موساد برای این منظور تشکیل داده‌اند و در اسناد پناهمزی «پارسک پارسین» در تهران تبدیل کرده بود».

لبنان - قربانی توپخانه امپریالیسم

وصفیه ونیسم



دانستنیهای در باره لبنان

نام:	جمهوری لبنان
مساحت:	۱۰۶۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۳٫۳ میلیون نفر (۱۳۵۸)
ترکیب جمعیت:	۹۰٪ عرب (لبنانی و فلسطینی) ۱۰٪ از ملیتهای گوناگون
احزاب سیاسی:	حزب کمونیست لبنان حزب سوسیالیست ترقیخواه حزب اتحاد ملی حزب لبنانی فالانژ (کتابی) اتحاد مشروطه طلب حزب لیبرال ملی چندین گروه نزدیک به حزب سوسیالیست بعث عربی وناصریست حزب پوروژوانی ناسیونالیست ارمنه (داشناکسیون)

بدخلیه‌نوی نظامی خود از این کشور شد.
سلطه استعمار جهانیست در لبنان

در هفته‌های اخیر، لبنان بار دیگر صحنه دسیسه‌های گسترده و خونین امپریالیسم آمریکا، صهیونیست‌های اسرائیل و جداتی طلبان لبنانی دست نشانده آنها شده است. برای اطلاع خوانندگان گرامی "نامه مردم" از این شماره انتشار یک رشته مقالات را درباره "مسئله لبنان" و ریشه‌های تاریخی آن آغاز میکند.

دو قرن سلطه استعماری در لبنان

نگاهی به تاریخ کشور لبنان نشان میدهد که این کشور از همان سالی که توسط یک کمیسیون بین‌المللی، با شرکت نمایندگان دول فرانسه، بریتانیا، اتریش، پروسی و روسیه، که قانون اساسی این کشور را تصویب کردند، به این نام خوانده شد، یعنی از سال ۱۲۴۵ (۱۸۶۱) تا ۱۳۲۴ (۱۹۲۵) که توانست به استقلال سیاسی دست یابد، همواره در زیر سلطه استعمار فرانسه و بریتانیا قرار داشت. در واقع اگر بخواهیم دقیق‌تر به مسئله نگاه کنیم، باید به تاریخ سلطه دولت‌های استعماری بر این منطقه از سال ۱۸۹۵ (۱۵۱۶ میلادی) مورد بررسی قرار دهیم. در این سال لبنان تبدیل به مستعمره امپراطوری عثمانی شد. مبارزه مردم این کشور برای کسب استقلال آزادی با عثمانی‌ها، ۳۰ سال بطول انجامید. در طی این مبارزات مردم گاه به پیروزی‌های دست‌یافتنی می‌یافتند. از جمله این پیروزی‌ها، اعطای خودمختاری نسبی از سوی دولت عثمانی بود، که خود از تشدید مداخلات دول بریتانیا و فرانسه در این کشور به رحمت افتاد بود. این خودمختاری شامل تقسیم لبنان به دو ناحیه بود: یکی ناحیه دروزیه و دیگری ناحیه مارونیه. ولی علیرغم چنین امتیازات کوچکی، مبارزه خلق لبنان علیه سلطه گران عثمانی ادامه یافت. تشدید قیام‌های دهقانی در کشور باعث شد دولت عثمانی، که خود با بریتانیا و فرانسه که خواهان سلطه خود بر لبنان بودند - درگیری داشت. روز به روز بیشتر تضعیف شود. سرانجام در سال ۱۲۴۱ (۱۸۶۱) دولت عثمانی مجبور به تخلیه قوای خود از این کشور شد. اما خروج قوای عثمانی از این کشور، پایان استیلای استعمارگران نبود. در واقع خروج دولت عثمانی از لبنان، به معنی انتقال سلطه خود به دول استعمارگر اروپای غربی بود. از اوایل قرن بیستم بیستم لبنان توسط نیروهای فرانسوی و بریتانیایی اداره می‌شد. در سال ۱۲۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰) مقامات فرانسوی ایجاد دولت بزرگ لبنان را که در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) با تصویب قانون اساسی به جمهوری تبدیل شد، اعلام کردند.

موج نوین مقاومت در برابر استعمارگران

مقاومت و مبارزه خلق لبنان برای کسب استقلال با تأخیر پذیری از انقلاب ۱۲۸۶-۱۲۸۴ (۱۹۰۷-۱۹۰۵) روسیه و انقلاب ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) "ترک‌های جوان" ترکیه، ایجاد گسترده‌تری یافت و در سال ۱۲۹۱ (۱۹۱۲) بر پایه اتحاد گروه‌های ملی "اتحاد اصلاحات" پایه‌گذاری شد. با گذشت زمان، بیروت به مرکز جنبش رهاغی بخش عرب تبدیل گشت. در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴)، شورش دهقانی عظیمی در دره "بطاع" وقوع پیوست. در همان سال کمونیست‌های لبنان و سوریه، "حزب کمونیست لبنان-سوریه" را پایه‌گذاری کردند. این همبستگی با حمایت ترقیخواهان لبنان از مبارزات ضد امپریالیستی سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۶ (۱۹۲۵-۲۷) سوریه، ایجاد باز هم گسترده‌تری یافت.

در پاییز ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) و تابستان ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) مقاومت خلق لبنان به صورت جنگ همه‌جانبه علیه اشغالگران فرانسوی در آمد. در همان موقع جنبش توده‌های عظیمی برای تحریم امتیازات خاص انحصارات خارجی سراسر کشور را فرا گرفت. اهمیت این جنبش در آنجا بود که اقتصاد لبنان در این سالها تابعی از منافع سرمایه‌انحصاری فرانسوی بشمار می‌رفت. همزمان با این جنبش توده‌های، اعتراضات گسترده کارگری نیز لبنان را فرا گرفت. در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) به ابتکار کمونیست‌های لبنان "کمیته‌های جنبه متحد" تشکیل شد. بار شد جنبش آزادیبخش ملی در لبنان دولت فرانسه در ۱۳۱۱ (نوامبر ۱۹۳۶) عهدنامه‌ای را امضا کرد که طبق آن، برای مدت سه سال، به لبنان استقلال داده می‌شد، استقلالی که با حفظ حقوق فرانسویان همراه بود. اما همین عهدنامه نیز با روی کار آمدن محافظ ارتجاعی فرانسه در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) ملغی شد.

غیر قانونی شدن حزب کمونیست لبنان

در آغاز جنگ جهانی دوم با اعلام حکومت نظامی در لبنان، پارلمان این کشور منحل شد و حزب کمونیست لبنان نیز غیرقانونی اعلام گردید. با شکست فرانسه توسط آلمان هیتلری، لبنان تحت کنترل کمیسیون متار که جنگ ایتالیا و آلمان قرار گرفت. نیروهای فاشیست از خاک لبنان برای تدارک عملیات نظامی خود در خاور میانه استفاده می‌کردند. در این میان تحریم اقتصادی لبنان توسط بریتانیا اوضاع اقتصادی لبنان را وخیم‌تر کرد. در تابستان ۱۳۲۰ (ژوئن ۱۹۴۱) نیروهای آزاد فرانسه و بریتانیا وارد سوریه و لبنان شدند. ژنرال کاتورو، فرمانده کل قوای نظامی فرانسه، در مقابل جنبش عظیم آزادیخواهان لبنان تسلیم شد و در ۱۳۲۰ (۶ نوامبر ۱۹۴۱) استقلال این کشور بر رسمیت شناخته شد. اول آذر ۱۳۲۲ (۲۲ نوامبر ۱۹۴۳) روز استقلال لبنان، با تعطیل عمومی در لبنان توأم شد. پارلمان نیز قوانینی را، که به قیومت خارجی بسرهاکمیست لبنان مربوط می‌شد و در قانون اساسی کشور گنجانده شده بود، ملغی اعلام کرد. اما امپریالیسم فرانسه نمی‌خواست و، با بهتراست گفته شود، نمی‌توانست استقلال لبنان را تحمل کند. در پایان جنگ دوم، سلطه جویان فرانسوی سعی کردند لبنان را اشغال نظامی کنند. این اقدام با اعمال فشار بر دولت لبنان برای بستن عهدنامه‌های مبنی بر تمدید حفظ موقعیت استراتژیک و اقتصادی فرانسه در این کشور توأم شد. دولت لبنان از بستن چنین عهدنامه‌ای امتناع کرد. جنبش مقاومت لبنان، همراه با اعتصابات عمومی، سراسر کشور را فرا گرفت. اتحاد شوروی نیز حمایت قاطعانه خود را از مبارزات مردم لبنان علیه قوای اشغالگر فرانسه اعلام کرد. در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) موافقت نامه حضور قوای اشغالگر در خاک لبنان، که توسط بریتانیا و فرانسه امضاء شده بود، در شورای امنیت بررسی شد. در اثر حمایت اتحاد شوروی، لهستان و مصر (زمان ناصر) از استقلال لبنان، فرانسه مجبور

احراز استقلال سیاسی به معنای کسب استقلال اقتصادی نبود. با اینکه پس از کسب استقلال سیاسی تعدادی از بانک‌ها و موسسات بزرگ متعلق به سرمایه‌داران ملی شد و دولت توانست با پرداخت غرامت، گروهی از موسسات خارجی هم‌را به تملک خلق درآورده، لکن هنوز مالکیت بزرگ کشاورزی بر اقتصاد کشور حاکم بود. در تعدادی از مناطق قریب به زمین‌های زیر کشت در دست کلیسایی مانده بود و ۷۵٪ از دهقانان کشور صاحب هیچ زمینی نبودند. انحصارات خارجی همچنان بر اقتصاد کشور مسلط بودند و نفوذ آمریکا و به افزایش بود. اتحاد سرمایه‌داران وابسته و ملاکین بزرگ، که توسط امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا، پشتیبانی و تقویت می‌شد، کشور را این بار به شکلی جدید به مستعمر خود تبدیل کرده بود. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) دولت لبنان، با امضاء عهدنامه‌ای با ایالات متحده آمریکا، به این کشور امکان داد، تا از طریق لبنان یک خط لوله نفت از خاک لبنان بگذراند. در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ (۱۹۵۱-۱۹۵۱) در ادامه همین سیاست، دولت لبنان از طریق پذیرش "اموال آترومن"، از آمریکا کمک دریافت کرد.

از حرکت گام و محرومان لبنان، که خواستار استقلال نه تنها در بعد سیاسی، بلکه در تمامی ابعاد اجتماعی و اقتصادی، نظامی و فرهنگی بودند، در مقابل این سیاست جدید به مقاومت پرداختند و دست به اعتراض زدند. زحمتکشان با قاطعیت خواست خود را مبنی بر بهبود شرایط زندگی، اتخاذ سیاست دمکراتیک در داخل کشور و سیاست خارجی ملی و استقلال طلبانه، اعلام کردند. در این موج اعتراض زحمتکشان، حزب کمونیست لبنان نقش فعال و چشمگیری داشت. بر اثر فعالیت این حزب و کوشش همه‌جانبه "فدراسیون ملی اتحادیه‌های کارگران صنعتی و اداری لبنان"، که در سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) تشکیل شده بود، در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) قانون ۸ ساعت کار روزانه اعلام شد. دولت لبنان در اثر این مقاومت و اعتراض همه‌جانبه و تحت فشار جنبش خلق ناچار به رد پیشنهاد دول امپریالیستی برای شرکت در میان‌های نظامی شد. این عقب‌نشینی‌ها در مقابل خواست خلق، نه تنها باعث تخفیف تضادهای اجتماعی نشد، بلکه برعکس تشدید این تضادها را در پی داشت. به این شرایط، توپخانه‌های نیروهای مترجع و کشورهای امپریالیستی و جنگ قدرت میان جناح‌های حاکم بر کشور رانیز باید افزود. مجموعه این شرایط بود که باعث شد دولت‌های حاکم بر کشور، مبارزات متزلزل شوند، بطوریکه در عرض مدت ۳۰ سال (۱۳۵۲-۱۳۲۲ برابر با ۱۹۷۳-۱۹۴۳) بیش از ۴۰ کابینه در لبنان روی کار آمد.

شرکت لبنان در جنگ اعراب و اسرائیل

در سال ۲۸-۱۳۲۷ (۴۹-۱۹۴۸) لبنان، در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و به همراه دیگر کشورهای عربی، بی‌مان ترک‌مخاصه با اسرائیل را در ۳ فروردین ۱۳۲۸ (۲۳ مارس



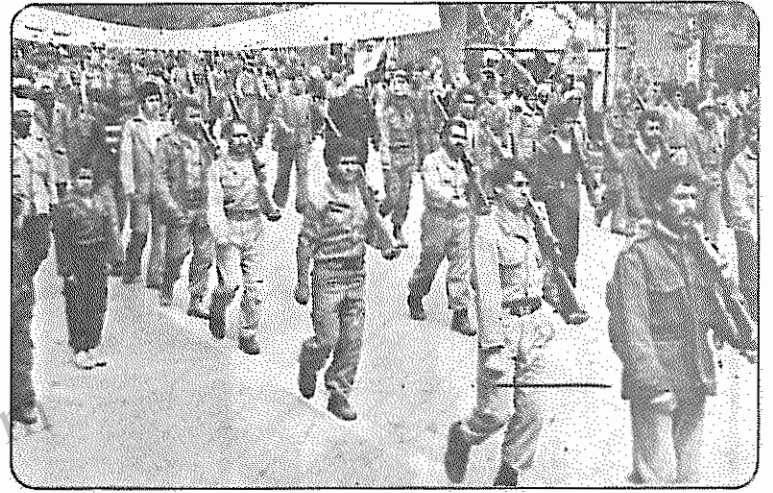
طلبانه در داخل و خارج شد. در اردیبهشت ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) اعتصابات عمومی سیاسی برپا شد. چندین روزنامه نگار لبنانی، "ن-متنی"، که با مواضع دولت شمعون در نزدیک شدن با کشورهای امپریالیستی به مخالفت برخاسته بود، به قتل رسید. به دنبال این حادثه و همچنین قصد شمعون برای وارد کردن اصلاحاتی در قانون اساسی مبنی بر حفظ موقعیت خود، اعتصاب عمومی اوج تازه‌ای گرفت. این اعتصاب در شمال لبنان به قیام مسلحانه بدل شد. کامیل شمعون از دولت آمریکا درخواست اعزام قوا به لبنان کرد. ولی دخالت آمریکا در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) نیز نتوانست رژیم شمعون را از موج خشم خلق نجات دهد و او مجبور به استعفا شد. در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) ژنرال فواد شهاب به ریاست جمهوری انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) این سمت را حفظ کرد. دولت جدید به ریاست رشید کرامی اعلام کرد که خود را متعهد به "دکترین آیزنهاور" نمی‌داند و از سیاست بی طرفانه و مبتنی بر عدم تعهد پشتیبانی می‌کند. اقداماتی که تحت فشار جنبش گسترده خلق انجام می‌شد - گرفت، از جمله شامل قدم‌هایی در تقویت اقتصادی و برخی اصلاحات اجتماعی درباره تأمین حق بیمه و درمان باقیمت‌های کمتر برای اعضای اتحادیه‌ها بود. همچنین دولت رشید کرامی پشتیبانی کامل خود را از مصر (زمان ناصر) و کشورهای دیگر عرب که قربانی تهاجم خود را با پیوستن به "دکترین آیزنهاور" اعلام کرد. لبنان از قطعه‌نامه آذر ۱۳۴۴ (۲۲ نوامبر ۱۹۶۷) شورای امنیت جهت یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران خاور-میانه نیز پشتیبانی کرد. جنبش مقاومت فلسطین و سازمان‌های وابسته به آن از سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) در خاک لبنان بقیه در صفحه ۶

(۱۹۴۹) امضاء کرد. از جمله نتایج جنگ برای لبنان، ورود تعداد زیادی پناهنده فلسطینی به این کشور بود. ناراضی توده‌ها از سیاست‌های دولت حاکم، وضع ناسامان اقتصادی و فساد دستگاه اداری باعث افزایش اعتراضات عمومی شد. جنبش خلقی - دمکراتیک تقویت و نیروی اپوزیسیون در مجلس این کشور علیه بشار الحوزی رئیس جمهور وقت، متحد شد. سرانجام در سال ۱۳۳۱ (سپتامبر ۱۹۵۲) رئیس جمهور مجبور به استعفا شد و جای خود را به کامیل شمعون داد. اما وی نیز برخلاف تعهدهای خود قبل از انتخابش، سیاست نزدیکی به قدرت‌های امپریالیستی را در پیش گرفت و از سرمایه‌گذاری انحصارات امپریالیستی در کشور استقبال کرد. در همان حال دولت رشید کرامی در سال ۳۵ - ۱۳۳۴ (۵۶-۱۹۵۵) تعدادی از کمیته‌های خارجی را با پرداخت غرامت ملی کرد و قسمتی از خدمات شهری را تأمین نمود. او همچنین بر میزان عوارض لبنان برای حمل و نقل نفت عراق از طریق خاک این کشور افزود. اما علیرغم این اقدامات، مواضع ضد مردمی کامیل شمعون پوشیده نماند. این موضع بخصوص در جریان تهاجم بریتانیا، فرانسه و اسرائیل علیه مصر (زمان ناصر) مشخص شد. در آن تاریخ خواست توده‌های لبنان برای کمک موثر مصر و قطع رابطه با کشورهای که در تهاجم شرکت داشتند، برآورده نشد. در اسفند ۱۳۳۵ (مارس ۱۹۵۷) دولت لبنان موافقت خود را با پیوستن به "دکترین آیزنهاور" اعلام کرد. مجموعه این سمت‌گیری‌ها، چه در زمینه سیاست داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی موج اعتصابات عمومی را به دنبال داشت. در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) "جبهه متحد ملی" در کشور تشکیل و خواستار اعمال یک سیاست ملی و استقلال -

در مراسم راهپیمایی اول ماه مه در مشهد



یازدهم اردیبهشت امسال، در مشهد راهپیمایی باشکوهی توسط کارگران و زحمتکشان واقشار مختلف مردم، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، برگزار گردید. پلاکاردهای بهامضاء شوراهای اسلامی کارخانه‌ها، شرکتها و مراکز تولیدی زیردیده میشد: شرکت تیم، کارخانه سیم، نخ - رسی، شرکت ملی گاز خراسان و مازندران، قدس رضوی، راه آهن، بوساز، ایرفرش، سندیکای صنایع غذایی، سندیکای راه و ساختمان، شرکت زرم، شرکت آجر، ماشین مهبخ و چین چین، برق منطقه و...



کارگران کمپوت سازی های خراسان (مشهد):

در راه تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب، بوجهبری امام خمینی به پیش!

- ۱- لغو ماده ۳۳ قانون کار ارتبه شوم رژیم مزدور و جنایتکار پهلوی،
- ۲- پرداخت حداقل دستمزد و مزایای قانونی از قبیل: الف- ۴۴ ساعت کار در هفته (پرداخت ۳۵٪ اضافه دستمزد در صورت اضافه کاری)، ب- بیمه کارگران شاغل، ج- استفاده از تعطیلات رسمی کارگری با حقوق، د- تعلق گرفتن سایر مزایای قانونی (حق مسکن، خواربار، اولاد، بازنشستگی، پاداش، عیدی، حق بهره‌وری، مرخصی سالانه، مرخصی دوران بارداری برای زنان)
- ۳- تامین بهداشت و ایمنی در کارخانه،
- ۴- جلوگیری از کارافرازی ۱۴ سال و کارگران خارجی،
- ۵- طرح طبقه بندی مشاغل.

کشاندن کارگران به احتساب و تحمیل و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

کارگران «شیمیکو فارما» خواهان بازگشت نماینده خود به کارخانه هستند!

باراه انداختن «کارخانه لوله سازی نوکار» مشکل کمبود آب بندر عباس را حل کنید!

در سال ۱۳۵۰ برای تامین آب بندر عباس، پروژه آب رسانی میناب - بندر عباس مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که سدی بر روی رودخانه میناب احداث شود، تا آب ذخیره شده، پس از مشروب کردن اراضی اطراف سد و میناب، جهت تامین آب بندر عباس به آن شهر انتقال یابد. برای انتقال آب مورد نیاز، که در شانروز بالغ بر ۸۶۰۰ متر مکعب میشود، بایستی از لوله‌هایی به قطر تقریبی یک متر و بیست و پنج سانتی متر و بطول تقریبی ۹۰ کیلومتر استفاده می- شد. برای این منظور کارخانه لوله سازی بتونی که در سال ۳۹-۴۰ در تهران ایجاد شده بود و قبلا لوله های آب تهران، اصفهان، تبریز و کرج را ساخته بود، به بندر عباس انتقال داده شد. سپس پروژه آب رسانی میناب - بندر عباس به مناقصه گذارده شد و " شرکت نوکار" در این مناقصه برنده شد. قرار شد که شرکت نوکار عهده دار ساخت و نصب لوله های بتونی، به قطر یک متر و بیست و پنج سانتی متر، از میناب تا بندر عباس، از قرار هر متر حدود دوازده هزار ریال شود.

کارفرما (سازمان آب و برق هرمزگان) کارخانه را برای ساخت لوله های مورد نیاز در اختیار پیمانکار قرار داد، با این شرط که ۱۰٪ قیمت لوله بابت کرایه کارخانه و استهلاک آن، از قیمت ساخت لوله و نصب آن کسر و به کارفرما پرداخت شود.

کارخانه در اوایل سال ۱۳۵۳ در بندر عباس نصب و بهره برداری از آن آغاز شد. این کارخانه روزانه حدود ۱۲ تا ۱۵ لوله تولید می کرد و تا سال ۱۳۵۷ حدود شصت کیلومتر لوله مورد نیاز ساخته شد و حدود ۵ کیلومتر آن نیز نصب شد. طی سالهای ۵۳ تا ۵۷ چندین بار پیمانکار تقاضای افزایش قیمت کرد و چندین بار هم کارخانه تعطیل شد، که با گرفتن وام دوباره به کار خود ادامه داد.

در جریان انقلاب کارخانه تعطیل شد و پس از یکسال مجددا پیمانکار بنابه درخواست کارفرما کار خود را از سر گرفت، ولی چون عملا پیشرفتی در کار حاصل نمی شد، از پیمانکار (شرکت نوکار) خلع ید و مجددا کارخانه تعطیل شد. از دلایل عدم پیشرفت کار میتوان از عدم مدیریت صحیح کارفرما، پیمانکار و دستگاه نظارت نام برد، بخصوص که بررسی های دقیق و کافی در مورد مسیر لوله گذاری صورت نگرفته بود. این موضوع بویژه در مورد لوله گذاری در قسمتی از مسیر، که لجنزار و باطلاتی است، اشکالاتی فراهم کرده است. ناگفته نماند که قسمتی از کارگاه های کارخانه، چون شن و ماسه، ورق آهن، سیمان، بیخ سازی و غیره مشغول کار بودند. در ضمن از این کارخانه میتوان جهت ساختن برخی از قطعات پیش ساخته چون تیر بتونی برق، جدول سازی، مخزن سازی و غیره استفاده کرد. همچنین کارخانه برای ساختمان فاضل-

غلام الماسی کارگر شیروانی کوب، روز پنجم فروردین ماه امسال، در اثر عدم استفاده از کمربند ایمنی و طناب نجات حین کار از ارتفاع سقوط کرد و جان سپرد. این کارگر در استخدام پیمانکار شرکت رادیاتور سازی ایران، وابسته به گروه صنعتی رنا بود. طبق قرارداد مسئولیت اتفاقات احتمالی و بیمه کارگران با پیمانکار بوده است. گفتنی است که این حادثه تا سلف- باروتگان دهنده، که در نوع خود متأسفانه نداشتن است و نه کم نظیر، در اثر بی- توجهی کارفرما به ضوابط روشن و صریح قانونی، بوقوع پیوسته است. ماده ۶۴ آیین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها، کارفرما را موظف به تامین و آموزش وسایل ایمنی (نظیر کمربند ایمنی و طناب نجات) می کند.

در کارخانه مواد غذایی بارلسی (جاده مخصوص کرج)، کارگری بنام نبی الله یمانی، روز هفدهم فروردین امسال، در اثر حادثه ناشی از کار جان سپرد. در محوطه کارخانه، دستگاه کمپرسوری، که فاقد سوپاپ اتوماتیک بوده و مقررات مربوط به ساخت دستگاه های تحت فشار در آن رعایت نشده، در لحظه حادثه حین کار، مخزن آن منفجر شد و در اثر برخورد صفحه جدا شده کمپرسور با کارگر مذکور، دست راست او از ناحیه کتف قطع و جرمه او خرد شد و در دم فوت کرد.

علت بروز این حادثه، مقاومت کم مخزن در برابر فشارهای داخلی بوده و حتی سوپاپ اطمینان خودکار نیز ایمن نبوده است. به این جهت کارفرما از بابت خرید دستگاه نامطمئن و به کار انداختن آن، مستقیما مسئول مرگ کارگر است. کارگر دیگری نیز در همین زمان (فروردین ۶۰) در کارگاه ساختمانی شرکت سرا (مهرآباد تهران)، در اثر اصابت یک صفحه (پلیت فلزی)، که از بالای ساختمان پرت شده بود، حین کار در طبقه ششم درگذشت.

قبلا هنگام اجرای تیر ریزی در ساختمان، مقداری صفحه فلزی بعد از اتمام کار آهنگری بالای تیر ریزی مانده و در لحظه حادثه، در اثر ضربه، به پائین پرتاب شده اند، که در نتیجه تیور (کارگر مذکور) بقتل می رسد. تا اینجا تنها سخنان غفلت، سهل انگاری و بی توجهی به سلامت، ایمنی و جان کارگران است. مسئله بر سر جدی نگرفتن ایمنی کار در واحد های

آب بندر عباس دارای امکانات زیادی است. در کارخانه لوله سازی حدود ۵۲ نفر کار می کردند، که به شدت ترین وضعی از طرف پیمانکار استعمار می شدند. در زمان حکومت رژیم سابق، کارگران کارخانه چندین بار بیخاطر دست یابی به حقوق قانونی خود، از جمله اضافه دستمزد، دا شدن بیخ و... اعتراض و حتی اعتصاب کردند. آنها یکبار بیخاطر دریافت اضافه دستمزد به مدت پانزده

جان دادن در کار

دست نابکار سوانح همچنان پیکر کارگران را به قربانی میگیرد

بهر تنها با کمک انجمن های صنفی و سندیکائی کارگران و زحمتکشان می توان انجام گسیختگی های کارفرمایان را مهار کرد.

گونگون است و این خود بی قانونی است و شایسته توجه، پیگیری و روشن ساختن علل و عوارض، بطوری که سمت حرکت بازرسان کار، مطابق برنامه جامع وزارت کار، در این راستا سیر کند که دیگر هیچ کارفرمای بخود این جسارت غیر انسانی راندهد که جان انسان هارا بازی گیرد، و در این زمینه باید تکرار کرد که فقط باید از خود کارگران مدد گرفت، کارگران باید آموزش ببینند، باید به ضرورت رعایت موازین ایمنی و استفاده از تجهیزات و لوازم ضروری ایمنی آگاهی حاصل کنند، و مهم تر از همه، باید کارفرمایان را ملزم و مجبور به رعایت شرایط قانونی کار، از جمله تامین وسایل ایمنی کنند، و این وظیفه ایست که کارگران تنها در صورتی به انجام آن توانا خواهند بود که متشکل باشند، اتحادیه ها و انجمن های صنفی و سندیکایی خود را تشکیل دهند.

چقدر می تواند از بروز حوادثی که همه ساله صد ها، بلکه هزاران نفر از هم میهنان زحمتکش ما را با گمراهی خود می کشد، جلوگیری یا کارفرمایان، تا کنون کمترین احساس مسئولیتی از خود نشان داده اند؟ در نمونه های که بر شمرده ایم (شرکت سرا، که کارفرمای آن سازمان مسکن است)، کارفرما - یا حتی مرگ کارگر را به زاندار می رسد یا دادسرا اطلاع نمی دهد، جسد را به پزشکی قانونی منتقل می کند، برای جسد با تشخیص شکستگی جمجمه، جواز دفن صادر می- شود! همین وس!

تکان دهنده است، اما به کفایت گویا برسان است. برخورد کارفرمایان که خود گناهکار اصلی سوانح کارند چنین است که بگویند از مجازات خطای خود بگریزند و تنها چیزی که کمترین جایی در ذهن آنان ندارد و نمی تواند داشته باشد، ارزش کار و سلامت کارگران است. پس دولت، مسئولین وزارت کار و شورای عالی حفاظت و بهداشت باید اجازه بازی کردن با جان کارگران را به کارفرمایان ندهند. مسلم است که در این مقال هم، با ضرورت تشکل کارگران در اتحادیه ها و انجمن های صنفی و سندیکایی مواجه می- شویم. بدون کمک سندیکاهای و تشکل های واقعی زحمتکشان، امکان مهار کردن انجام گسیختگی های کارفرمایان نیست. به این ترتیب، از این نظر هم وزارت کار باید به تجمع ها و سازمان های صنفی و سندیکایی کارگران پیروبال دهد و کارگران خود باید با تقویت وحدت و همبستگی خویش در این سندیکاهای، مجال سوء استفاده به کارفرما ندهند.

روز دست از کار کشیدند. اغلب کارگران کارخانه اهل "ده نو" هستند که، پس از تعطیل شدن کارخانه، بیکار شده اند. با توجه به کمبود آب در بندر عباس که مشکلات زیادی برای اهالی شهر به وجود آورده است، به کار افتادن کارخانه لوله سازی می تواند از طرفی مشکل آب را در کمترین مدت حل کند و از سوی دیگر از سوء استفاده عناصر ضد انقلاب از این مسئله جلوگیری بعمل آورد.

کارگری که مقصر نبودن او به اثبات رسیده و از طرف وزارت کار هم حکم بازگشت به کار دارد، سر باز می زند. از طرف دیگر، این واقعه، نشان می دهد که چه کسانی باز مینه سازی قبلی می کشند کارگران را تحریک کنند، به تشنج دادن زنده و زمینه تعطیل واحد های تولیدی را فراهم آورند و جنبه تولید را تضعیف کنند. جلوگیری از چنین خرابکاری هایی بیش از هر چیز عوام فریبی دشمنان انقلاب و منحرفین و چپ نماها را نیز خنثی خواهد کرد.

بررسی هانظر مدیریت را تأیید نکرد و کارگر اخراج شده توانست از وزارت کار حکم بازگشت به کار بگیرد. اما مدیریت از پذیرش او خودداری ورزید. این عمل باعث ناراحتی و نارضایتی کارگران شد و مسئول کارخانه با مشاهده این وضع، برای جلوگیری از ایجاد اشکال احتمالی در محصولات دارویی، قسمت تولید را تعطیل کرد. بر مسئولین امر است که به مسئله فوق رسیدگی کنند، تا روشن شود که به چه علت مدیریت کارخانه از پذیرفتن

دهقانان زحمتکش امیدوارند که بزودی مسئله زمین حل شود

شرط ضرور و اولیه، حل مسئله زمین است.

اکثر دهقانان استان آذربایجان غربی کم زمین هستند. و اولین مشکلی که در پیش روی قرار دارد، روشن کردن تکلیف بند "ج" و "د" و اعلام احزاب قطعی و فوری قانون اصلاحات ارضی است، که خوشبختانه امید می رود هرچه زودتر عملی شود.

نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، در روستاهای این استان بسیار فعالند. این گفتمانی از دهقانان "کوسه آباد" که: "ما از جهاد ارضی هستیم و راه ما را شن ریزی کرده است"، نشان خوبخشی فعالیت این نهادهای انقلابی است.

روستائیان استان آذربایجان غربی سابقه مبارزاتی طولانی علیه رژیم طاغوت دارند. اکنون هم تا آنجا که از دستشان برمی آید، به آنها گوناگون به حربه بازی می رسانند.

پس بیکار دیگر به گفته های "لطفعلی" نظریان داریم، به خواست های او و دیگر دهقانان بیشتر بیاندیشیم، و ره نمود امام خمینی را، که باید به مسائل روستائیان رسیدگی کرد، از یاد نبریم، زیرا تحکیم انقلاب و تسکین پذیری آن، از جمله، با حمایت دائمی و بی خلل دهقانان زحمتکش پیوند مستقیم دارد.

سخن از استان آذربایجان غربی، این را در گاه دلاوران و تهرمانان این سرزمین رنج دیده از ستم شاهی و ستم کشیده از حوراریان است.

آقا، در انقلاب کمبود و نارسایی می شود. ماهمه اینها را به این دلیل تحمل می کنیم که بعد از برطرف کردن این نارسایی ها، به درد ما برسند.

این گفته "لطفعلی"، یکی از دهقانان روستای "عربلو یگان" این استان است.

آگاهی و درک سیاسی این دهقان مبارز نبودنی است. او تمام این نارسایی ها و مشکلات را متحمل می شود، برای آنکه انقلاب سه پیش برود و دستاوردهای انقلاب به سود محرومان تثبیت شود. انقلابی که این دهقانان مبارز و دیگر دهقانان هیررش، سال ها در راه آن کوشش و مبارزه کرده اند.

در باره وضع کلی روستاهای واقع در استان آذربایجان غربی همین بس که اراضی کشاورزی روستاهای این استان بسیار وسیع اند و اکثر امکانات کافی در این جهت تسبیح شود، می توانند در جهت اعتلا اقتصاد کشاورزی کشور بسیار موثر باشند و به استقلال اقتصادی کشور و تحکیم انقلاب بازی رسانند.

دهقانان روستای تبت:

آمریکامیهن ما را چاپید، حالا ما باید به میهن خدمت کنیم

آن ها می آیند، همکاری کنند. اهالی روستای تبت آماده اند تا راهی جبهه ها شوند و علیه رژیم صدام خائن بیکار کنند.

یکی از دهقانان می گوید: "من کلا ۱/۵ طناب باغ انگور و زمین دارم. ۱۸ سال است که دارم در این تیکه چون می کنم... هرچه داشتم گذاشتم بالای این زمین، الان من ۵۰ سال است که زحمت می کشم، با اینکه پیرم. عزیزم، آمریکا کشور ما را چاپید و دهات ما را ویران کرد. حالا ما باید به میهن خدمت کنیم و قدر آقای خمینی را بدانیم."

اگر گره اصلی کار دهقانان، یعنی اجرای بند "ج" و "د" و کل قانون اصلاحات ارضی هرچه زودتر باز شود، آن وقت است که دهقانان زحمتکش می توانند برای بارور کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشاورزی کشور و پایدار نگه داشتن انقلاب، از جان مایه بگذارند.

واضح است که دست خالی نمی شود زمین ها را کاشت و بارور کرد. باید کلیه امکانات تولید و معیشتی و وسایل کار و زندگی را در اختیار دهقانان گذاشت، تا سهم خود را به طور شایسته ادا کنند.

مشکلات و خواست های اهالی روستای تبت به علت سیاست ضد دهقانی رژیم سابق، بسیار است. روستای تبت از محل باراندوز چای، در ۶ کیلومتری امامزاده و ۱۶ کیلومتری ارومیه واقع است. جمعیت روستا ۱۳ خانوار (۳۰۵ نفر) است. اکثر اهالی به کار کشاورزی اشتغال دارند و در کنار آن به پرورش دام و طیور می پردازند. علاوه بر آن، عده ای از زحمتکش روستا با خشکاندن آب دریاچه ارومیه، نمک حاصل از آن را برای فروش به شهر می برند.

در این روستا اکثر اهالی کم زمین هستند و در حدود ۲ خانوار هم بی- زمین هستند. اهالی نیاز فراوانی به وام، بذر، مواد دفع آفات، کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی دارند. این روستا فاقد آب لوله کشی، برق، درمانگاه و حمام است. در این روستا یک مدرسه ۵ کلاس ابتدایی دایر است و دانش آموزان کلاس های بالاتر به روستای امامزاده می روند. در روستا فقط ۲ تراکتور برای کار کشاورزی وجود دارد.

مردم معتقدند که برای رفع همه مشکلات حاضرند با جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، که به روستای

به خواستهای روستائیان کوسه آباد رسیدگی کنید

راهنمایی درست کند، چون ما مدرسه نداریم.

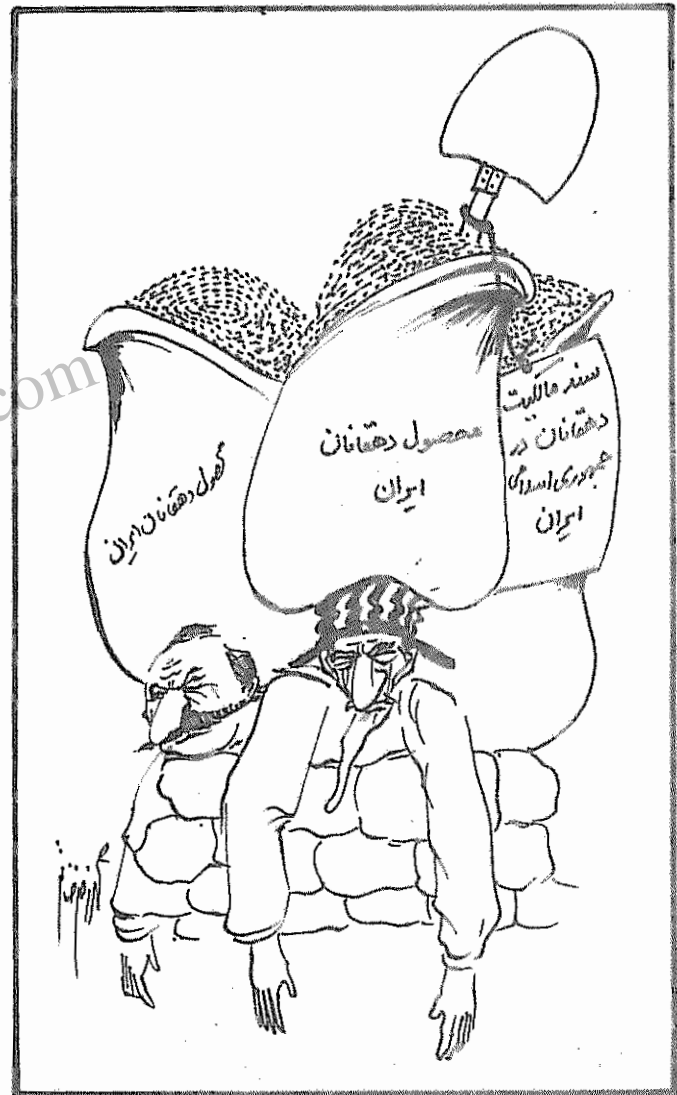
اهالی این روستا عضو شرکت تعاونی قره آغاج هستند. روستائیان کوسه آباد نامه ای به اداره کشاورزی برای دریافت روغن موتور و گازوئیل نوشته اند، که هنوز جوابی نشنیده اند.

مسئله سوخت و روغن موتور در بسیاری از دهات به یکی از حادترین مسائل بدل شده است. خوشبختانه تصمیماتی در این جهت گرفته شده، ولی با در نظر گرفتن اهمیت مسئله و حیاتی بودن آن در بسیاری مناطق، لازم است که توجه دائمی و جدی به این مسئله مبذول داشت و برای آن راه حل های عملی و فوری اندیشید.

روستای کوسه آباد یکی از روستاهای محل باراندوز چای، در ۱۸ کیلومتری شهرستان ارومیه قرار دارد. در این روستا حدود ۴۰ خانوار و جمعاً ۲۰۰ نفر زندگی می کنند. اکثر دهقانان خرده مالکند و فقط ۶ خانوار دهقان بی زمین در این روستا وجود دارد. روستا فاقد برق، آب زراعی کافی، آب لوله کشی، حمام، بهداشت و دیگر نیازهای اولیه زندگی است.

یکی از روستائیان در زمینه مشکلات موجود می گفت:

"چند ماه است که در ادارات سرگردان هستیم، ولی نتوانستیم کود و پروانه چاه بگیریم. ما از جهاد ارضی هستیم و راه ما را شن ریزی کرده است، از جهاد می خواهیم برای مایک مدرسه



یک دهقان روستای عربلو یگان:

«ما همه اینها (نارسایی ها و جنگ) را تحمل می کنیم، که بعداً به دردمان برسند»

عزت صدر، یکی از اهالی روستا، از جهاد سازندگی، شن ریزی جاده و کود شیمیایی است. آب آشامیدنی نیز یکی از نیازهای فوری اهالی است.

سیس نظامی به این روستا آمده و بمدت یک هفته به روستائیان آموزش داده است.

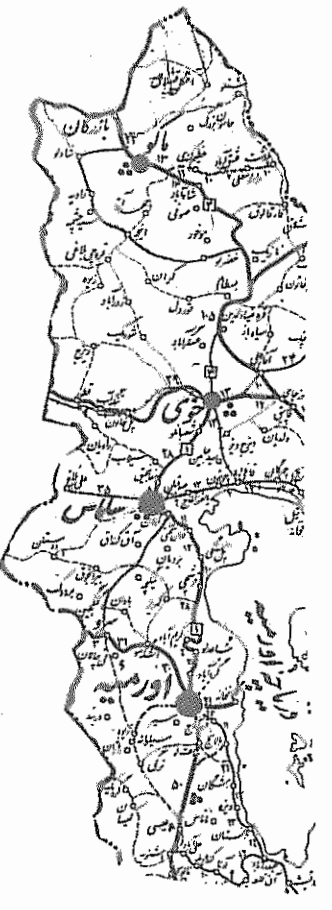
یکی از اهالی درباره مشکلات و مسائل کنونی و عواقب جنگ توضیح داد:

"آقا، در انقلاب کمبود و نارسایی می شود. ما همه اینها را به این دلیل تحمل می کنیم که بعد از برطرف کردن این نارسایی ها، به درد ما برسند."

روستای عربلو یگان با ۴۵ خانوار جمعیت (۴۰۰-۳۶۰ نفر) از توابع محل نازلو چای، در ۸ کیلومتری ارومیه قرار دارد. اکثر دهقانان روستا کم زمین و در حدود ۴-۵ خانوار بی زمین هستند.

یک اتاق برای درس خواندن دانش آموزان روستایی در نظر گرفته شده است و فقط تالاس چهارم تدریس می کنند. دانش آموزان برای ادامه تحصیل به ده عسگر آباد، که در یک کیلومتری است، می روند. در این روستا شرکت تعاونی وجود ندارد و اهالی عضو شرکت تعاونی عسگر آباد هستند. جهاد سازندگی هنوز به روستا نیامده است. درخواست

ویژه استان آذربایجان غربی



بزرگ مالک زورگو اراضی دهقانان روستای تالون را غصب کرد و دهقانان را از روستا بیرون راند

زمیندار بزرگ روستای تالون، بعد از انقلاب زمین های دهقانان را گرفت و آن ها را از ده بیرون کرد، به طوری که از ۷۰ خانوار ساکن این روستا، فقط ۱۵ خانوار باقی مانده اند.

این روستا از محل ترگور در شمال غربی ارومیه و در ۳۰ کیلومتری آن واقع است. جاده تالون به ارومیه توسط جهاد سازندگی ساخته شده است. دهقانان رانده شده از ده، فعلاً در محله جمهوری لرذاغی، که در حاشیه ارومیه قرار دارد، ساکن هستند. همه این افراد بیکارند و در وضع معیشتی بدی بسر می برند.

جای تعجب و تاسف اینجاست که ارباب این روستا توسط مسئولین منطقه، مسلح شده است تا جلوی ضد انقلاب را بگیرد! البته او نه تنها در این زمینه کاری انجام نداده، بلکه مثل دیگر مالکان بزرگ منطقه، علیه انقلاب مشغول فعالیت است. حتی چندی پیش تعدادی از عوامل قاسم در روستای مذکور، میهمان این شخص بودند. اهالی که از روستا بیرون رانده شده اند، معتقدند که دولت باید زمین هایشان را از ارباب پس بگیرد و به آن ها بدهد، تا از جان و دل، با کار روی زمین، در خدمت انقلاب باشند.

اهالی منتظرند که مقامات انتظامی هر چه سریع تر این مالک زورگو را دستگیر کنند و به سزای اعمال بی شرمه اش برسند.

برگرداندن زمین های دهقانان، که ارباب زورگو غصب کرده، یک عمل انقلابی است که باعث می شود دهقانان به خانه و کاشانه خود بازگردند و با خیال آسوده کشت کنند و حامی بی- تزلزل انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ- نشینان باشند. آن ها امید دارند که بهار امسال، همزمان با آغاز اصلاحات ارضی واقعی و پایان تسلط شوم بزرگ- مالکان باش

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند. دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

نیروهای بینابینی

در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

آزادی خودموجب تشدید نفاق و چندی - دستگی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما شده اند.

ارزیابی حزب ما از این جریانات، هنوز بر این پایه است که این نیروها دچار چپ روی و خیال پرستی در ارزیابی واقعیت هستند، تا هنگامی که این ارزیابی قوت خود را حفظ کند، تلاش ما در این جهت خواهد بود که این نیروهای سالم را که جای شان در جبهه متحد خلق است، از این گمراهی خارج سازیم.

همانطور که می دانیم در درون سازمان چریک های فدایی خلق ایران هم که تا چندی قبل نظیر چنین ارزیابی هایی وجود داشت، تحول جدی در جهت شناخت علمی و منطبق با واقعیت بوجود آمده و اکثریت این سازمان بر اشتباهات گذشته خود چیره شد. ما امیدواریم که تحولات و تجربیات آینده جنبش ما به نیروهای جوان دیگری هم، که هنوز در این گونه مواضع نادرست هستند، کمک کند.

در این ارتباط باید موضع گیری گروهی از شخصیت های سیاسی و به ویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که علی رغم اینکه در مجموع سمت گیری های سیاسی خود از خط امام خمینی هواداری می کنند و در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند، معذالک در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در کنار لیبرال ها قرار می گیرند، در عین این که در عمده ترین مسائل مربوط به سرنوشت جنبش، مانند موضع گیری در برابر امپریالیسم ضرورت دگرگونی های بنیادی به سود محرومان، بطور مشخص در مقابل لیبرال ها قرار دارند.

به نظر ما مسئولیت پیدایش این پدیده بطور عمده به عهده انحصار طلبان در طیف هوادار حاکمیت کنونی است. سیاست این قشر که حاضر نیست هیچ گونه مخالفتی را با موضع گیری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در یک جبهه، تحمل کند، در راندن بسیاری از افراد که به تفکر مستقل و ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موثر است. بدون تردید این انحصار طلبی ها یکی از مهم ترین سدهای خطرناک در برابر مهم ترین ضرورت مبرم انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهای است که هوادار تشبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سمت گیری های ضد امپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه های فشار به حقوق دمکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این پدیده تاثیر بسیار جدی داشته است.

در کنار ۳ اردوگاه عمده میدان نبرد کشور ما نیروهای بینابینی دیگری به صورت سازمان ها و گروه ها و شخصیت های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هویت دوگانه از خویش نشان می دهند: از یک طرف سیاست خود را در چهار چوب مواضع پیگیر و آشتی ناپذیر ضد - امپریالیستی اعلام می دارند و از طرف دیگر در عمل باجبهه نیروهای سازشکار و تسلیم طلب و حتی در مواردی با نیروهای براندازی همگامی عملی دارند.

این نیروهای بینابینی که به طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار نگرفته اند، عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه اقلیت سازمان چریک های فدایی خلق و گروه های چپ گرای نظیرشان مانند راه کارگر. البته این گروه های بینابینی در مواضع یگانه قرار ندارند، و در عین نزدیکی نسبی با یکدیگر، به ویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی باید یکدیگر دارند. این نیروها به طور عمده در مواضع ضد - امپریالیستی و ضد استبدادی و هواداری از خواست های خلق جای گرفته اند، ولی در عمل، در ارزیابی دقیق لحظه دچار چپ روی جدی شده و در پیامد این موضع گیری چپ روانه که آنها را به اقداماتی در جهت تضعیف و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشانده است، عملاً با لیبرال ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جبهه قرار گرفته اند.

تحلیلی که این نیروها برای موضع گیری خود ارائه می دهند بر این پایه است که گویا خطر عمده برای سرنوشت انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امپریالیسم در درجه اول و نه سرمایه - داری لیبرال به عنوان جاده صاف کن بازگشت آن. آنها این طور بیان می کنند که گویا با کنار زدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکمه (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم ترین سدی که در سر راه گسترش و اعتدالی انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکمه به دست "نیروهای رادیکال انقلابی" (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همانطور که می دانیم تجربه بسیاری از انقلاب ها و در دوران نزدیک، تجربه انقلاب پرتغال، به بارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای دردناکی ممکن است از این گونه ارزیابی های خیال پرستانه و ماجراجویانه برای سرنوشت انقلاب به بار آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست افراطی انحصار طلب است که با اقدامات ضد -

بلیه ای بنام «خواست اندیشی»

واقعیت چنان نیست که ما میخواهیم، چنان است که خود و مستقل از میل ما وجود دارد و تحول مییابد، ما باید بکوشیم تا این واقعیت را از راه پژوهش بی غرضانه دریابیم.

فلان خندانقلابی دلش می خواهد انقلاب ایران را در "استبداد آخوندها" خلاصه کند، نقش رهاگر و ضد - امپریالیستی و مردمی آن را در همه گستره ها نفی کند، شکلات انقلاب را (که به طور عمده خود و اربابانشان پدید آورده اند) نادیده بگیرد و دست آوردهای مهم انقلاب را مسکوت بگذارد. وقتی به او نشان می دهیم که درست است که در انقلاب مارو حاکمیت مبارز اسلامی نقش مهمی داشته و دارد، ولی این انقلاب دارای خصلت استقلال طلبانه و مردمی است و اتحاد جهانی امپریالیسم و دربار و شوئال و سرمایه دار را در هم ریخته و زمین را برای رهایی کلی جامعه مافراهم کرده است، "جیغ و ویغش" در می آید و برت و پلا می گوید.

حتماً واقعیت بیچاره آن طور است و باید آن طور باشد که ایشان می خواهند! واقعیت "تعالی عما یفون" ولی بالاتر برتر است از وصف من و شما، باید فرض را بر این بیاوریم، تفکر و تحقیق علمی را به کار انداخته و از این واقعیت ذوجانبی دست برداریم، که در آن ماهیت ها گاه با ظاهر گوناگون بروز می کنند، برده برافکنند.

بپژهند واقعیت باید دلی وارسته از اغراض، مغزی انباشته از شوق حقیقت و خردی جوینده داشته باشد، به قول سعدی شیرین سخن ما: حقیقت، سراپی است آراسته هوی و هوس، گرد برخاسته نبینی به جایی که برخاسته نبیند نظر، گرچه بیست است مرد.

این تحقیق می تواند شما را به نتیجه ای برساند که ابتدا و اصلاً با میل، امید و انتظار شما تطبیق نکند. می توان از زبان قرآن (که در حق خداوند آورده) گفت: "و تعالی عما یفون". واقعیت بالاتر است از آنچه که این و آن وصف می کنند. محتوی فکر ما تنها و تنها زمانی حقیقت است که این واقعیت خارج از ذهن را - صرف نظر از میل ما و هدف ما - هر چه بیشتر و هر چه دقیق تر منعکس کند.

بلیه "خواست اندیشی"، یعنی در واقع شعار کلی "اگر واقعیت مخالف فلسفه من است، پس خاک بر سر واقعیت". این بلیه فکری در کشور ما بسیار مرسوم است. مثلاً:

فلان لیبرال دلش می خواهد حزب توده ایران انبانی از جنایات و خطاها باشد. وقتی شما به او ثابت می کنید که این تصورات شما باطل است، دعوی شما با اسناد و مدارک تاریخی نمی خواند و با واقعیت تطبیق نمی کند، به جای آن که عبرت گیرد و اندیشه نادرست خود را عوض کند، عصبانی می شود و بدوی راه می گوید.

فلان قسری دلش می خواهد مارکسیسم انبانی از دعاوی بی معنی و ضد علمی و تجریدات دل به خواه باشد. وقتی شما با ادب تمام نشان می دهید که چنین چیزی نیست و مارکسیسم نتیجه گیری از مراثت علمی و اجتماعی و برانیک انسانی است و با تحول و تکامل آن، تحول و تکامل می یابد، ناراحت می شود، دست به سفسطه و واژگون سازی الفاظ و احکام می زند.

در مدیشت جنبش خلق در کشور به حزب کمونیست لبنان و بقیه احزاب سیاسی، که غیر قانونی اعلام شده بودند، اجازه فعالیت قانونی داد.

در سال ۱۳۴۹ (اوت ۱۹۷۰) مجلس ملیان فرود چیه راه ریاست جمهوری انتخاب کرد. در این سال همچنین صائب سلام نخست وزیر کشور شد. دولت جدید قصد خود را برای دنبال کردن یک بیطرفی مثبت اعلام کرد و قول داد که اقتصاد ملی را تقویت کند و سطح زندگی مردم زحمتکش را بالا برد. اما این دولت نیز به علت ترکیب طبقاتی اش نتوانست در انجام برنامه های که قولش را داده بود، موفق شود. عدم توانایی دولت در این جهات و کوشش هایش برای نقض حقوق و آزادی های دمکراتیک، سبب ناراضی عمومی شد. این ناراضی، اعتراضات و تظاهرات وسیع در اواخر سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) و ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) را بدنبال داشت.

از سوی دیگر ارتش لبنان، علیرغم ادعای دولت، به علت فشارهای دولت اسرائیل برای جلوگیری از حمایت این دولت از جنبش مقاومت فلسطین عملاً نتوانست از جنبش فلسطین پشتیبانی نمی کرد، بلکه مخالفت هایی نیز نشان می داد. عملیات نظامی ارتش لبنان علیه اردوگاه های پناهندگان فلسطینی در لبنان خشم و تفرق دنیای عرب و توده های وسیع مردم لبنان را بدنبال داشت. در اثر همین اعتراضات توده های دولت صائب سلام در فروردین ۱۳۵۲ (آوریل ۱۹۷۳) مجبور به استعفا شد. دولت های بعدی نیز نتوانستند بر بحران عظیم سیاسی لبنان فائق آیند.

بررسی اسلوبی بسیاری از بحث ها که در محافل گوناگون جامعه ما از نظر امور تجریدی و کلی، یا امور مشخص اجتماعی می شود، یک سلسله معایب را آشکار می سازد، که از آن جمله بلیه ایست به نام "خواست اندیشی" (Wishful Thinking) یعنی چه؟ "خواست اندیشی" یعنی آن که شما تمام آن فاکت ها و داده هایی از زندگی و واقعیت خارجی را برگزینید که تمایل شما را اثبات می کند و آن فاکت ها و داده هایی را که تمایل شما را رد می کند، یا در آن شک وارد می سازد، از پیش مسکوت بگذارید، یا اگر هم نتوانید آن ها را مسکوت بگذارید، شروع کنید به مسخ آن ها موافق میل خود.

واقعیت ها، به ویژه واقعیت های اجتماعی و تاریخی، دارای سه خاصیت هستند: الف) ذوجوانب هستند، یعنی جنبه های مختلف دارند. ب) متحرک هستند، یعنی هم یک حال و به یک سان نمی مانند و تغییر می کنند. ج) از پدیده و ماهیت مرکبند، یعنی ظاهری دارند و باطنی، صورتی دارند و سیرتی. گاه آن ظاهر و صورت با آن باطن وسیرت نمی خواند، و اصل هم باطن است نه ظاهر، سیرت است نه صورت، ماهیت است نه پدیده.

لذا درک واقعیت به پژوهش و تحقیق نیازمند است، تا شما همه جوانب مطلب را بدانید و ببینید، تا شما تحولات و تغییراتی را که طی زمان در موضوع رخ داده و می دهد (یعنی تاریخ حادثه) بشناسید، تا شما تشخیص دهید که ماهیت مطلب چیست و یا آن چه که در ظاهر دیده می شود، در واقع همانست، یا آن که ظاهر امر برده ایست بر باطن.

در این ارتباط باید موضع گیری گروهی از شخصیت های سیاسی و به ویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که علی رغم اینکه در مجموع سمت گیری های سیاسی خود از خط امام خمینی هواداری می کنند و در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند، معذالک در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در کنار لیبرال ها قرار می گیرند، در عین این که در عمده ترین مسائل مربوط به سرنوشت جنبش، مانند موضع گیری در برابر امپریالیسم ضرورت دگرگونی های بنیادی به سود محرومان، بطور مشخص در مقابل لیبرال ها قرار دارند.

لبنان قربانی توطئه...

بقیه از صفحه ۳

فعالیت خود را آغاز کردند و از همان سال بود که لبنان شاهد حملات گسترده و مکرر تجاوزگران اسرائیلی شد. در نتیجه این حملات، قسمت های جنوبی لبنان بشدت آسیب دیده است. اوضاع سیاسی لبنان نیز دارای آشفتگی خاصی است. از سوئی روابط متزلزلی که بین موسسات رسمی لبنان فلسطین "در این کشور وجود دارد، و از سوی دیگر برخورد مکرر بین کسانی که از یک سمتگیری متمایل به غرب و جدا کردن کشور از هم پیمانی با کشور های مترقی عرب پشتیبانی می کنند، و بانبروهای میهن دوست ملی، که خواهان همکاری های نزدیک با کشور های مترقی عرب و نیز کشورهای سوسیالیستی هستند، به این آشفتگی صورت جدیدی می بخشد. در این زمینه باید به درگیری میان حزب لیبرال ملی و حزب سوسیالیست مترقی جدید، به رهبری کمال جنبلاط اشاره کرد.

قانونی شدن حزب گمرونیست لبنان

در آذر ۱۳۴۸ (۲۵ نوامبر ۱۹۶۹) رشید کرامی دولتی تشکیل داد، که شامل گروه های اصلی بورژوازی لبنان می شد. این دولت در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) با

عوامل اصلی این بحران، علاوه بر خرابکاری های دسته های راستگرا و عوامل امپریالیسم در داخل کشور، توطئه های نظامی اسرائیل در جهت سرنگون کردن دولت لبنان و تجربه خاک این کشور بود. این عوامل به بروز برخوردهای مسلحانه ای در فروردین ۱۳۵۴ (آوریل ۱۹۷۵) انجامید، که بعدها تبدیل به یک جنگ داخلی شد. در اثر این جنگ خسارات و زیان های فراوانی به اقتصاد کشور وارد شد. این جنگ ها که تا کنون ادامه دارد، تا بحال موجب مرگ هزاران نفر از مردم این کشور شده است.

تلفات جنگ های داخلی

در اثر جنگ های داخلی سال ۱۳۵۴-۱۳۷۶ (۱۹۷۵-۱۹۷۶) حدود یک چهارم توانایی صنعتی کشور از بین رفت، ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی کار متخصص به کشورهای دیگر، از جمله عربستان مهاجرت کردند و بنابر گزارش های ناشی از جنگ در جنوب لبنان از شمار بیرون است. تا بحال بر اثر این جنگ ها، چند ده هزار نفر کشته شده اند و بسیاری مجروح و معلول بجا مانده اند. مطالعات "سندیای سراسری کارگری لبنان" (C.G.T.L) نشان می دهد که هزینه زندگی در این کشور از شروع "جنگ خانگی" تاکنون ۶۰ درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت نیازمندی های عمومی بیش از ۸۰ درصد بوده است.

ادامه دارد

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!



کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- چنور از سفر به حزب پدرش ۱۰۰ ریال
دکتر حسین از کلن (آلمان غربی) ۵۰ مارک
مانوئل آل. به حزب پدرش (آلمان غربی) ۲۵۰ مارک
هوادران حزب در بم ۲۰۴۰۰ ریال
ج-ج ازجیرفت ۲۰۰۰ ریال
مجید ازجیرفت ۱۰۰۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در کرمان ۲۵۵۰۰۰ ریال
هوادران حزب توده ایران در آنزلی ۲۰۰۰ ریال
خانم مریم از زرشک ۱۴۰۰ ریال
آقای فرخ از زرشک ۵۰۰ ریال
آقای آرشی از زرشک ۲۵۰۰ ریال
آقای سپهر از زرشک ۲۰۰ ریال
احمد، آلف از استهبان ۵۰۰۰ ریال
خانواده دهکردی از آمریکا ۱۰۰۰۰ ریال
نوشین-م ۴۵۰۰ ریال
بیژن و بهرام از زابل ۱۶۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی منشی و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نگذارید خطر...

بقیه از صفحه ۱
باید مکمل نیروهای مداخله جوی آمریکا در منطقه باشد، گرایش شدید آمریکا به کنترل تمام مناطق حریص منافع حیاتی، او، که «اشغال خزنده نظامی منطقه» سرفصل آنست. همه و همه بیانگر آن خطر واقعی است که از سوی امپریالیسم، سرکردگی آمریکا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار داده است. در چنین اوضاع و احوال حساس، بحران زنا و ویژه ای که انقلاب از برون و درون آماج دسیسه و تهاجم و دشنام و افتراست، هر فرد و هر سازمان و هر گروه انقلابی وظیفه دارد که این خطر اساسی را یک لحظه از نظر دور ندارد. بلکه بطور مستمر آنرا پی گیری، با هزار قلم و زبان به مردم، به دولت، به مسئولین، و کلیه ارگانهای مملکتی هشدار دهد و طلب کند که در برابر این خطر عظیم همه متحد و متفق و بیدار، برای راه بستن بر خطر و حفظ انقلاب پشت به پشت هم دهند.

متأسفانه در این میان، برخی افراد، گروهها و روزنامه ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، یا گفته و نوشته خود، چنان خاگ در چشم مردم می پاشند، که خطر اصلی و دشمن عمده از نظر آنها پوشیده می ماند و آنچنان مردم را با مسائل جزئی، فرعی، غیر عمده، دروغ و تحریف شده از سوی امپریالیسم خبری سرگرم میکنند، که دشمن اصلی، که به گفته مکرر امام خمینی، امپریالیسم آمریکاست، از نظر مردم نادیده میشود و مسائل حاشیه ای فکر و ذهن آنان را مشغول میدارد. این افراد، گروهها و روزنامه ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، در همان حال که درباره مطالب پیشینیا افتاده

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی:

آمریکا، اروپا، ژاپن و ضد انقلاب داخلی برای برگرداندن دوران «پهلوی» تلاش می کنند

- اگر با مسئله سرمایه داری، بویژه شکل تجاری آن برخورد قاطع نشود، انقلاب به بن بست کشیده می شود.
اندک گردانندگان سرمایه داری صنعتی و گروه بزرگ تجاری به اندازه نصف عملکرد جذب شده بودجه سود برده اند.
تنگ نظران و کج فکسران با شکل گزائی و قشری نگری با عملکرد ناشیانه و دفعی به انقلاب لطمه میزنند.
عزل و نصب های سازمان صنایع دفاع ملی ابهام انگیز و نگران کننده است.

نخستین ناطق جلسه پنجشنبه هر ایس خالاتیان، نماینده ارمنه شمال، در ابتدای سخنش تأکید کرد که «جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر عراق به ایران، نخستین و محترمین مسأله ماست». وی در بخشی از سخنانش، متن تحلیلی را که در مجله «امت اسلامی»، مورخ ۱۵/۲/۶۰، درباره احتمال مداخله نظامی ترکیه در ایران چاپ شده است، خواند. در این تحلیل، ضمن اشاره به عضویت ترکیه در پیمان نظامی «ناتو» به وجود ۱۹ پایگاه نظامی آمریکا در نقاط مختلف ترکیه و مسائل دیگر تأکید شده است که با وجود مشکلات داخلی ترکیه، «نباید هرگز از وجود چنین خطر احتمالی غافل بود، زیرا وجود و نقل و انتقالات نظامی این کشور در مرزهای خود یا ایران و مانور نظامی مشترک کشورهای پیمان ناتو و همزمان با آن مانور مستقل این کشور حدود چهار روز پیش در نزدیکی مرزهای ایران و شوروی و نیز تأکید بر کودتا به مردم جهت آماده شدن آنها برای یک جنگ احتمالی، خود نشانه ایست برای یک درگیری احتمالی...»

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکار غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد. دومین ناطق پیش از دستور، رضا رمضانی خورشید دوست، نماینده زرشک، درباره توطئه ها و خطر های خارجی و داخلی سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه «جهان خواهان آمریکائی، اروپائی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را بر شمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام ناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکار غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد. دومین ناطق پیش از دستور، رضا رمضانی خورشید دوست، نماینده زرشک، درباره توطئه ها و خطر های خارجی و داخلی سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه «جهان خواهان آمریکائی، اروپائی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را بر شمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام ناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکار غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد. دومین ناطق پیش از دستور، رضا رمضانی خورشید دوست، نماینده زرشک، درباره توطئه ها و خطر های خارجی و داخلی سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه «جهان خواهان آمریکائی، اروپائی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را بر شمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام ناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکار غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد. دومین ناطق پیش از دستور، رضا رمضانی خورشید دوست، نماینده زرشک، درباره توطئه ها و خطر های خارجی و داخلی سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه «جهان خواهان آمریکائی، اروپائی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را بر شمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام ناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکار غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد. دومین ناطق پیش از دستور، رضا رمضانی خورشید دوست، نماینده زرشک، درباره توطئه ها و خطر های خارجی و داخلی سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه «جهان خواهان آمریکائی، اروپائی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را بر شمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام ناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

تیریزی و چند تن دیگر برای قید یک فوریت در لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح شد. در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، در مقام مخالفت با قید یک فوریت سخن گفت و ضمن اشاره به اهمیت این لایحه که «نیاز کشور است» و «از دستاوردهای انقلاب است» تأکید کرد که این لایحه به دلیل اهمیت آن نباید با عجله مطرح شود، زیرا نتیجه مطلوب نخواهد داد. وی سپس گفت:

نماینده رشت سپس هشدار داد که اگر «برخورد قاطعانه با مسأله سرمایه داری، خصوصاً در شکل تجاری آن، نشود، انقلاب اسلامی به بن بست کشیده خواهد شد». وی همچنین گفت: «نمی توان هم دست سرمایه داران تجاری را باز گذاشت و هم انتظار رفاه مردم و محرومان جامعه را داشت. البته خوشبینی مسئولان نسبت به سرمایه داری تجاری برآستی خطری است که انقلاب را از ریشه تهدید می کند».

ناطق همچنین در مورد گروه های چپ و و چپ نما گفت که آنان «بدلیل تحلیلهای نادرست از اوضاع و احوال یسا به لحاظ قدرت طلبی و فرصت طلبی به زمینه یی برای سقوط حاکمیت انقلاب برنامه ریزی می کنند».

وی یکی دیگر از خطرات انقلاب را «غرب زدگانی» دانست که «شعاع آزادی می دهند، بدون اینکه از عدالت اجتماعی و رفع ستم طبقاتی سخن بگویند». وی تأکید کرد: «اینها امیدشان به تمامی کسانی است که علیه انقلاب بسیج شده اند».

رمضانی تنگ نظری و قشری گری را یکی دیگر از خطرات انقلاب دانست و گفت: «آن دسته از تنگ نظران و کج فکران که با شکل گرایی و قشری نگری خیال می کنند که در خط امام هستند (اینان با روحانیون مبارزی چون آیت الله منتظری، مشکینی و امامالم و نیز دانشجویان صادق پیرو خط امام، اشتباه گرفته نشوند)... ولی با عملکرد ناشیانه و دفعی انقلاب را از حمایت نیروهای مسلمان انقلاب خالی می کنند».

وی در این مورد به گروه دیگری اشاره کرد که «تا دیروز حتی در شیوه مقابله با شاه هم با امام توافقی نداشتند و الان خود را دوآتشفه در خط امام جا می زنند و انگیزه عمده حرکت آنان فرصت طلبی و قدرت طلبی است و آگاهانه به انقلاب ضربه می زنند».

ناطق سپس با اشاره به «سرمایه داران بزرگ و وابسته در اشکال مختلف تجاری و صنعتی»، آنان را «مهمترین بخش توطئه گر علیه انقلاب» نامید و گفت:

«پس از پیروزی (انقلاب) قریب ۷۰٪ کارخانه ها از چنگ بخش خصوصی درآمده است. سرمایه داران صنعتی دیروز، که کارخانه هایشان مصادره شده است، همراه با گروه عمده ای از سرمایه داران تجاری، یعنی بازرگانان، برآستی ضد انقلابی ترین طبقه جامعه هستند».

وی تأکید کرد که «حساب پیشه وران خرد و تعداد اندکی از نیروهای مسلمان و متحرک بازار، که اکثراً چیزی در زندگی بجز شرفشان ندارند، جداست».

رمضانی همچنین گفت که: «پس از انقلاب نام اسلام و امام پوششی برای فتح چپاول بازار شد».

وی سپس رشد سرسام آور قیمت چند قلم کالا را ذکر کرد و گفت:

«هیچ رباخوازی در طول تاریخ چنین بهره کسی نکرده است». وی همچنین گفت: «اندک گردانندگان

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

چنان منظره ای میسازند که گوئی هیچ خطری از جانب امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیرو شده اش مبین انقلابی ما را تهدید نمی کند. همانطور که امام خمینی به تکرار هشدار داده اند، خطر اصلی و دشمن عمده انقلاب ما، امپریالیسم آمریکاست. و به گفته قتیبه عالیقدر آیت الله منتظری «مباد روزی که مرگ بر آمریکار آفراده شود». انقلاب ایران امروز بیش از هر زمان آماج توطئه های آمریکاست، زیرا امپریالیسم اسباب کار را از تمامی جهات فراهم آورده است.

چنان منظره ای میسازند که گوئی هیچ خطری از جانب امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیرو شده اش مبین انقلابی ما را تهدید نمی کند. همانطور که امام خمینی به تکرار هشدار داده اند، خطر اصلی و دشمن عمده انقلاب ما، امپریالیسم آمریکاست. و به گفته قتیبه عالیقدر آیت الله منتظری «مباد روزی که مرگ بر آمریکار آفراده شود». انقلاب ایران امروز بیش از هر زمان آماج توطئه های آمریکاست، زیرا امپریالیسم اسباب کار را از تمامی جهات فراهم آورده است.

شانناژ ادامه دارد

شانناژ برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» زدن به هر عملی که بسود مستضعفان، بسود زحمتکشان شهر و روستا باشد، همچنان ادامه دارد، هم از سوی ضدانقلاب پنهان و آشکار و هم از سوی سختگویان سرمایه‌داری لیبرال ایران. اینان علنا نمیتوانند بگویند که طرفدار فتودال و بزرگ‌مالکنده و مخالف با اصلاحات ارضی بسود دهقانان زحمتکش؛ اینان رسماً نمیتوانند اعلام‌دارند که طرفدار کلان‌سرمایه‌داران «بازار» و مخالف با ملی (دولتی) شدن بازرگانی خارجی هستند، طرفدار استثمار بی قید و شرط و مخالف توزیع عادلانه ثروت‌اند، طرفدار امتیاز طبقاتی در آموزش و مخالف با آموزش فرزندان زحمتکشانند، طرفدار تبلیغ در رسانه‌های گروهی بسود مستکبران و مخالف با تبلیغ بسود مستضعفانند... میگویند اصلاحات ارضی و اجرای بندهای «ج» و «د» «کمونیستی» است، ملی کردن بازرگانی خارجی «کمونیستی» است، توسعه شبکه تعاونیهای تولیدی و مصرفی «کمونیستی» است، توزیع عادلانه کالا بصورت جیره‌بندی «کمونیستی» است، آموزش و پرورش همگانی و مجانی «کمونیستی» است، رسانه‌های گروهی «کمونیستی» شده‌اند... و همین اقدامات، هراقدامی که در جهت مبارزات مستمرانه بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار باشد، هر تصمیم و یا اقدامی که در جهت بهبود زندگی زحمتکشان غارت شده و

استمدیده، اتخاذ شود یا انجام گیرد، به ادعای اینان «کمونیستی» است، حاصل کار «توده‌ای» است که «اتقاء ایدئولوژی» می‌کنند و همه‌جا نفوذ کرده‌اند!

هدف عمده این شانناژ دیگر معلوم شده‌است. هدف عمده آن‌آدار کردن مسلمانان مبارز انقلابی، که درحاکمیت هستند، به خودداری از حرکت بسوی اهداف خلقی انقلاب، تمیز کردن نوسازی اجتماعی - اقتصادی کشور بسود زحمتکشان و محرومان جامعه ماست.

هدف ضمنی این شانناژ نیز تا حدود زیادی دیگر آشکار شده است. هدف ضمنی آن رادار کردن مسلمانان مبارز انقلابی به تیره‌جویی خود از اتهام، از طریق پرخاش و بدگویی به «توده‌ای» و «شی» «توده‌ای» و بدین‌وسیله ایجاد شکافی و اختلاف و خصومت بین نیروهای مسلمان انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی، در نتیجه، تضعیف مجموعه نیروهای است که خواستار تثبیت و تحکیم و تعمیق انقلابند و در این راه فعالانه و صادقانه مبارزه میکنند.

هدف عمده این شانناژ دیگر بر ملا شده است. آشکار شده است که برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» زدن وسیله‌ایست برای تخطئه هر تصمیم و هراقدام انقلابی، وسیله‌ایست برای سد راه حرکت انقلابی، متوقف کردن آن و واپس‌راندن آن. نقابها

فروافتاده و فرومی‌افتند و دیگر دشوار است و هر روز دشوارتر میشود که بتوان مخالفت با انقلاب و اهداف مردمی آنرا زیر پرده «شانناژ»، و نثار برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» به این‌وآن و اقدامات انقلابی مستور ساخت.

هدف ضمنی این شانناژ نیز می‌رود برای نیروهای مسلمان انقلابی چنان آشکار شود که جانی برای تفرقه‌افکنی و ایجادفاق مصنوعی بین مجموعه خواستاران رزمنده صدیق انقلابی باقی نماند، زیرا هر روز با وضوح بیشتری روشن میشود که مرز میان طرفداران و مخالفان انقلاب، مرز بین مسلمانان و غیرمسلمانان، یا مرز بین مسلمانان انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی نیست، و همانگونه که نمیتوان «توده‌ای» را برای انقلاب «خطر» و «انود کرد»، بهمانگونه نیز نمیتوان با «اسلام‌پناهی» کاذب نقش چادرساف کن ضدانقلاب را با موفقیت انجام داد.

ولی شانناژ برچسب «کمونیستی» زدن و «خطر توده‌ای» از جانب ضدانقلاب آشکار و پنهان و از جانب نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال ایران همچنان ادامه دارد. طوفان انقلاب «قایق» این شانناژ را شکسته، ولی مگر قایق‌نشینان و روشکسته میتوانند در دریای طوفانی قایق شکسته خود را رها کنند؟!!

پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در آمل به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران! هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی برگزار گردید که مبین انقلاب شکوهمند ما در حساس‌ترین لحظات سرنوشتی خویش قرار گرفته است. مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) نمایانگر تحلیلی دقیق و علمی از اوضاع بفرنج و پیچیده جامعه انقلابی و درعین‌حال مویده کاربست خلاق و پویای اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی بر شرایط ویژه کشور ماست.

حزب ما تنها نیروی سیاسی و انقلابی است که با تدوین برنامه‌ای روشن و تحول‌آفرین، موافق با نیاز نوسازی جامعه و دگرگونی بنیادی در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بحق رسالت تاریخی خود را به‌عنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیش از پیش به اثبات رسانده است. وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی در رهبری و سراسر حزب، هفدهمین پلنوم (وسیع) را به عنوان پلنومی تاریخی در طول چهل‌سال حیات افتخارآفرین حزب ما برجسته می‌سازد.

ما ضمن تبریک و تهنیت به رفقای ارجمند کمیته مرکزی، بمناسبت انجام موفقیت‌آمیز کار هفدهمین پلنوم (وسیع)، و همچنین به همه اعضا و هواداران حزب، برای خود وظیفه‌ای سترگ قائلیم، تا با الهام از مصوبات پلنوم، با همه تلاش و توانمان رهنمودهای آن را در جهت تحکیم گسست‌ناپذیر دستاوردهای انقلاب شکوهمند بسمن و برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و شکوفا تحقق بخشیم.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

جاویدباد مشعل فروزان اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی!

زنده باد جبهه متحد خلق!



پیرموروا نخست‌وزیر فرانسه شد

روز ۳۱ اردیبهشت ۶۰، فرانسوا میتران مقام ریاست جمهوری فرانسه را احراز کرد. میتران، پیرموروا، عضو هیئت

در «کنفرانس بین‌المللی در باره مجازات آفریقای جنوبی»، سخنرانان از سیاست دولت‌های غربی انتقاد شدید کردند

در مقر «یونسکو» در پاریس، کنفرانس بین‌المللی در باره مجازات آفریقای جنوبی به کار خود ادامه میدهد.

نمایندگان در حدود صد کشور، از جمله ایران، به اتخاذ تدابیر لازم برای منزوی کردن رژیم نژادپرست «آپارتاید» مشغولند. در این کنفرانس، سخنرانان ضرورت رعایت آکید قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را در باره مجازات آفریقای جنوبی، از جمله تحریم واگذاری و صدور نفت و جنگ-افزار به این کشور، یادآور شدند. آنها دولت‌های غربی، بویژه ایالات متحده آمریکا، را بخاطر پشتیبانی از رژیم آپارتاید مورد انتقاد قرار دادند.

آدام کاجو، دبیر کل «سازمان وحدت آفریقا»، گفت: «فرمانروایان آفریقای جنوبی سرکوب، قتل و شکنجه را جزئی از سیاست خود کرده‌اند». لئویند برنر، رئیس کمیته آفریقا، یادآور شد که:

«دیگر نمی‌توان مجازات آفریقای جنوبی را به تأخیر انداخت. اتحاد شوروی پیوسته از اتخاذ تدابیر قاطع برای ریشه‌کنی نژادپرستی و آپارتاید پشتیبانی کرده است.»

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان
NAMEH MARDOM
No. 518
23 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۳۵۵۱/۴۱، منقله ۱۴ پستی تهران

در پی مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، تظاهرات خونینی در سراسر ایرلند شمالی آغاز شد

ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، مبارزان ایرلندی زندان «هیز» در شصت و یکمین روز اعتصاب غذای خود درگذشتند. بدین ترتیب، شماره زندانیان ایرلند شمالی، که برای دستیابی به موقعیت زندانی سیاسی به اعتصاب غذا متوسل شده و جان خود را از دست داده‌اند، به چهار میرسد. دولت «لندن» از پذیرش خواستهای بحق آنها لجوجانه خودداری می‌ورزد.

در پی پخش خبر مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا ز درخوردی گسترده‌ای در بلفاست و لندن در پی دیگر شهرهای «آلستر» آغاز شد، که به تلفات زیادی انجامیده است.

ریگان به استقرار موشک‌های هسته‌ای در اروپای باختری اصرار می‌ورزد

هلموت اشمیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، گفتگوی خود را در واشینگتن با پرزیدنت ریگان آغاز کرد. بگزارش خبرگزاریها، ریگان تأکید نمود که ایالات متحده بر استقرار موشک‌های جدید آمریکا در اروپای باختری اصرار خواهد ورزید.

در جریان گفتگوی ریگان - اشمیت تظاهراتی در برابر «کاخ سفید» برگزار شد. تظاهرکنندگان، که برخی از شهروندان آلمان غربی را نیز دربر میگرفتند، خواهان خودداری از اجرای نقشه استقرار موشک‌های نامبرده گردیدند.

قرارداد نظامی محرمانه میان آمریکا و ژاپن پس از بیست سال فاش می‌شود

در ژاپن، «حزب سوسیالیست»، حزب حاکم این کشور، یعنی «حزب لیبرال دمکرات» را به فریب مردم متهم کرده است. این سخن در بیانیه‌ای آمده است که پس از افشای گزارش ادوین ری شائوئر، سفیر سابق ایالات متحده آمریکا در توکیو، منتشر شد. بموجب این گزارش، طبق قرارداد محرمانه‌ای، کشتی‌های جنگی آمریکایی مجوز به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، میتوانند در بندرهای ژاپن لنگر ببندازند.

ادوین ری شائوئر، در مصاحبه‌ای با روزنامه «های نی تی»، گفته است که، این قرارداد، در واقع، بیش از بیست و یکسال است که اجرا می‌شود. اظهارات سفیر سابق ایالات متحده آمریکا شکفت و خشم مردم ژاپن را برانگیخته است.

دیدار وزیر خارجه مکزیک از اتحاد شوروی

نیکلای تیخونوف، نخست‌وزیر اتحاد شوروی، سنوور خورخه کاستانیدا، وزیر خارجه مکزیک را بحضور خود پذیرفت. وزیر خارجه مکزیک اکنون به سفر رسمی از اتحاد شوروی مشغول است.

نیکلای تیخونوف، در این دیدار، تمایل اتحاد شوروی را به توسعه همکاریهای متقابل بسودمند با همه کشورها، از جمله در آمریکای لاتین، تأیید کرد. وزیر خارجه مکزیک خاطر نشان ساخت که کشور او با نظر اتحاد شوروی می‌تواند همکاریهای متقابل را از جنبه بین‌المللی سالم‌تر هم‌آواست و از ابتکارات اتحاد شوروی در این زمینه پشتیبانی خواهد نمود.

رئیس جمهوری سوسیالیستی رومانی گفتگوهای خود را در پراگ آغاز کرد

روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۶۰، گفتگوهای میان گوستاو هوساک و نیکلای چائوشسکو، رهبران چکسلواکی و رومانی، در پراگ آغاز شد. نیکلای چائوشسکو برای دیدار رسمی سه روزه به چکسلواکی رفته است. این گفتگوها همکاری میان دو کشور، بویژه در زمینه همکاری اقتصادی و مناسبات بین‌احزاب کمونیست رومانی و چکسلواکی را دربر گرفته است. گوستاو هوساک و نیکلای چائوشسکو پشتیبانی خود را از همکاری اقتصادی در چارچوب «شورای همیاری اقتصادی» و گسترش مناسبات متقابل در زمینه‌های گوناگون اعلام داشتند.

مردم لهستان از «ضدانقلاب خزننده» سخن می‌گویند

بنوشته پراودا: «گوشی حزب متحد کارگری لهستان و دولت لهستان برای عادی سازی و تثبیت زندگی اجتماعی در کشور، با مبارزه سیاسی پیچیده‌ای همراه است.» گزارش خبرنگار «پراودا» در لهستان یادآور میشود که باید توطئه دشمنان سوسیالیسم را عقیم ساخت.

در مقاله «پراودا» گفته میشود: «تصادفی نیست که مردم لهستان امروزه از «ضدانقلاب خزننده» سخن می‌گویند. هدفهای دشمنان سوسیالیسم در مراکز ضد کمونیستی و ضد لهستانی در غرب هماهنگی می‌یابد. دشمنان آشکار لهستان سوسیالیستی توانسته‌اند در رهبری اتحادیه «همبستگی» رخنه کنند. از سوی دیگر، یکی از رهبران بلند پایه «حزب متحد کارگری لهستان» گفته است که گروه ضد سوسیالیستی «کوس» در لهستان، بدستور دستگاه‌های جاسوسی غرب تشکیل شده است.

یانوش گورچنسکی، در مصاحبه‌ای با «سائوتسکایا راسیا» افزود: «باصلاح «کمیته دفاع مردم از خود» در «همبستگی» رخنه کرده است، این گروه مخالف، «مشاور» «همبستگی» شده است و قصد دارد که این اتحادیه سندیکایی را به سازمانی سیاسی بدل کند.» بگفته یانوش گورچنسکی، «کوس» کمکهای هنگفتی از غرب دریافت می‌دارد.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم